

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیک تر از سیاهی چشم به سفیدی اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱



خلاصه بحث

## روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

جلسه ۱

تاریخ جلسه: ۱۰/۴/۷۸

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

ضرورت، موضوع، هدف از این سلسله جلسات

مقدمه

موضوع مورد بررسی در این سلسله جلسات پژوهشی - تحقیقاتی، تولید «روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای» می‌باشد. قبل از ورود به متن بحث برای روشن شدن مسأله ضروری است «ضرورت، موضوع و هدف» از این سلسله مباحث مشخص باشد.

۱ - ضرورت

برای بررسی ضرورت بحث از روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای ابتدا باید ضرورت اصل تحقیقات کتابخانه‌ای و جایگاه آن در مدل تحقیقات روشن گردد تا پس از آن بحث از ضرورت برنامه چنین تحقیقاتی و مالاً روش برنامه آن صورت بگیرد.

۱/۱ - ضرورت تحقیقات کتابخانه‌ای

تحقیقات کتابخانه‌ای در مقابل تحقیقات نظری به تحقیقاتی اطلاق می‌گردد که نسبت به محصولات فرهنگ موجود صورت می‌گیرد و به تعبیر دیگر موضوع این نوع از تحقیقات ترکیب و دسته‌بندی و نتیجه‌گیریهای جدیدی از مطالب و تفکرات فرهنگ موجود یا تبدیل فکر تولید شده قبلی به فرهنگ عمومی جامعه می‌باشد. لذا در این نوع از تحقیقات فکر تولید نمی‌گردد و بلکه یا تفکرات گذشته پرداخت می‌گردد و یا تفکرات نوین به جامعه عرضه می‌گردد.

با توجه به این تعریف اجمالی باید به این نکته مهم توجه داشت که همچنانکه در سیر تکاملی فرهنگ تحقیقات نظری آنهم در سطح تولید فلسفه، منطقها و روشها ضروری می‌باشد، تحقیقات کتابخانه‌ای هم ضروری می‌باشد که در اینجا تنها به سه دلیل برای اثبات ضرورت

چنین تحقیقاتی در سیر تکامل فرهنگی اشاره می‌گردد.

الف) اگرچه توسط تحقیقات نظری، فکر جدید تولید می‌گردد ولی تنها در سایه استفاده از ظرفیت فرهنگ گذشته است که می‌توان بستر مناسبی جهت جریان فکر جدید در جامعه ایجاد کرد. به تعبیر دیگر تحقیقات کتابخانه‌ای می‌تواند پلی جهت جایگزین شدن فرهنگ جدید به جای فرهنگ گذشته باشد. البته باید توجه داشت که تحقیقات کتابخانه‌ای خود دارای سطوح متفاوتی می‌باشد که بالاترین و عالی‌ترین سطح آن، چنین وظیفه‌ای را بر عهده دارد و گرنه تنها فایده دسته‌ای از تحقیقات کتابخانه‌ای «گردآوری هنری» می‌باشد و هیچ نقشی در تکامل فرهنگی نخواهد داشت.

همچنین باید توجه داشت که برای تحقق چنین امری نسبت به تحقیقات کتابخانه‌ای باید این تحقیقات توسط مرکزی خاص مثلاً بانک توسعه تحقیقات سرپرستی و هدایت گردد که این مرکز از یک طرف با فرهنگستان علوم در ارتباط است - که توسط فرهنگستان فلسفه و منطقهای جدید و بالطبع فرهنگ جدید تولید گردیده و در سایه آن فلسفه، سنجشها هماهنگی جدید پیدا کرده و در جهتی خاص تکاملی می‌یابند و ظرفیتی جدید پیدا می‌کنند - و از طرف دیگر با جهت‌دار کردن تحقیقات کتابخانه‌ای بستر مناسب جهت جریان فرهنگ جدید ایجاد می‌کند. به تعبیر دیگر بانک توسعه تحقیقات مرکز چرخش و سازمان‌دهی اطلاعات بر مبنای فلسفی فرهنگستان می‌باشد.

ب) دومین دلیل در ضرورت تحقیقات کتابخانه‌ای اینست که تنها با وجود چنین تحقیقاتی است که تحقیقات نظری تحقق پیدا می‌کنند. به تعبیر دیگر تحقیقات نظری ساختارهای نظری و تحقیقات کتابخانه‌ای ساختارهای عینی را در جهت جریان آن ساختارهای نظری در فرهنگ جامعه تنظیم می‌کنند و مشخص است که بدون این ساختارهای عینی هیچگاه فرهنگ جدید نمی‌تواند با فرهنگ موجود ارتباط پیدا کند.

ج) دلیل دیگر بر ضرورت تحقیقات کتابخانه‌ای اینست که بدون چنین تحقیقاتی همفکری صورت نمی‌گیرد. در توضیح اینکه همواره به سبب تحقیقات نظری فکر جدید تولید می‌گردد ولی برای جریان این فکر جدید باید مفاهیم و همفکری بین دو فرهنگ گذشته و جدید

صورت بگیرد که این همفکری تنها در سایه تحقیقات کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد و در صورتی که چنین تحقیقاتی صورت نگیرد هیچگاه از ظرفیت تحقیق جدید در زمان خودش استفاده کامل نمی‌شود.

بنابراین برای مراکز امثال فرهنگستان که متکفل تولید فکر جدید می‌باشد تحقیقات کتابخانه‌ای بعنوان روش تحقق افکار تولیدی، ضروری می‌باشد و چنانچه نتوانند به چنین روشی دست پیدا کنند ضعف در تفاهم با غیر را باید متوجه خود بدانند نه متوجه مخاطبان. به تعبیر دیگر پس از انقلاب در کشور و شکسته شدن و تخریب فرهنگ گذشته، این بیم برای افراد ایجاد می‌گردد که چه مفاهیمی باید جایگزین شود که در اینصورت هنر اصلی «فلسفه شدن» یا (فلسفه تغییر) سازماندهی بیم و امید می‌باشد که این سازماندهی هم تنها در سایه تولید فرهنگ جدید (توسط تحقیقات نظری) و جریان آن در جامعه (توسط تحقیقات کتابخانه‌ای) می‌باشد.

## ۱/۲ - ضرورت روش در تحقیقات کتابخانه‌ای

آنچنانکه بیان شد تحقیقات کتابخانه‌ای برای تحقق فکر جدید و گذر از فرهنگ موجود به فرهنگ جدید ضروری است ولی باید توجه داشت که تحقیقات کتابخانه‌ای خود باید مبتنی بر روشی باشد تا براساس آن روش برنامه منظمی برای آن ارائه گردد تا نتیجه مورد نظر از آن حاصل گردد چرا که در صورت اختیار نداشتن روش تحقق، هرج و مرج فرهنگی صورت می‌گیرد. لذا می‌بینیم که حضرت امام پس از پیروزی انقلاب از آنجا که واقف بودند که هنوز فرهنگ جدید با تمام ساختارهای اجتماعی خود تولید نشده است و این امر نیاز به زمان دارد، دستور به بازگشایی تمامی مراکز دولتی گذشته دادند و وجود روند گذشته را تا جایگزینی ساختارهای جدید ضروری دانستند.

بنابراین تنها در سایه وجود روش تحقق است که ادراکات گذشته به انرژی لازم برای پیدایش ادراکات جدید تبدیل می‌گردند.

## ۲ - موضوع

پس از مشخص شدن ضرورت تحقیقات کتابخانه‌ای و روش تنظیم برنامه چنین تحقیقاتی، در این قسمت مطالبی پیرامون موضوع این جلسات ارائه می‌گردد.

هرچند در تحقیقات کتابخانه‌ای موجود ضوابطی کلی جهت برنامه‌ریزی چنین تحقیقاتی ارائه می‌گردد ولی به دلیل مجمل بودن آن و عدم وجود روشی منسجم و نبود مرکزی بعنوان بانک توسعه تحقیقات، سطح نوآوری در چنین تحقیقاتی بسیار پائین می‌باشد و ظرفیت آن بگونه‌ای نیست که بتوان فرهنگ جدید را در قالب چنین تحقیقاتی در جامعه جریان داد. لذا ضروری است که در تحقیقات کتابخانه‌ای موجود، ساماندهی جدیدی صورت بگیرد.

برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای، برنامه‌ای خرد است که متأثر از خصوصیات برنامه‌ریزی کلان می‌باشد. در برنامه خرد موضوعات کاملاً از یکدیگر جدا شده و با برنامه‌ای از پیش تعیین شده، هر محقق یا سازمانی متکفل تحقیق در یک موضوع خاص می‌باشد.

۳- اگر برنامه تحقیقات کتابخانه روشمند صورت بگیرد و توسط مرکزی (مثل فرهنگستان علوم اسلامی) سرپرستی گردد دیگر ضروری نیست که تولیدکنندگان فرهنگ جدید خود حضور فیزیکی در مراکز علمی داشته باشند بلکه با ارائه نرم‌افزارهای خاص به این مراکز و نظارت بر تحقیقات آنها تمامی تحقیقات را هماهنگ می‌کنند و در مجبوع همکاری فرهنگی را در جهت انتقال مفاهیم جدید شکل می‌دهند.

۴- اگر محقق در تحقیقات کتابخانه‌ای به روش مدل‌سازی تحقیق مسلح شود دیگر تحقیقات کتابخانه‌ای یا تبعات تحقیق در حد جمع‌آوری ساده مطالب گذشته محدود نمی‌ماند بلکه همواره این تحقیقات زمینه‌ساز و یا بسترساز جریان فکر جدید در جامعه می‌گردند.

### ۳- هدف

هدف از دستیابی به روش تنظیم برنامه تحقیقات در جهت سازندگی فرهنگی می‌باشد. البته باید توجه داشت که همواره فرض مطلوب در هر انقلاب سیاسی اینست که توأم با این انقلاب سیاسی، انقلاب فرهنگی هم صورت بگیرد تا حرکت مردم همواره در نسبت بین بیم و امید باشد ولی از آنجاکه معمولاً در یک انقلاب تمام ذهن صاحبان انقلاب در اوایل معطوف به تخریب فرهنگ گذشته می‌باشد، انقلاب و سازندگی فرهنگی در قدمهای بعدی صورت می‌گیرد.

«والسلام»

خلاصه بحث

## روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

جلسه ۲

تاریخ جلسه: ۷۸/۰۴/۱۷

حجة الاسلام والمسلمین حسینی  
تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

### ضوابط تنظیم طرح توجیهی

مقدمه

در جلسه گذشته موضوع، ضرورت و هدف از این سلسله مباحث روشن گردید و در این جلسه وارد متن بحث می‌شویم. اولین مرحله در تحقیقات کتابخانه‌ای اینست که محقق و کاربر پذیر طرح توجیهی خود را پیرامون موضوع سفارش شده از سوی کارفرما ارایه می‌دهد. این طرح توجیهی می‌بایست سه شاخصه مهم داشته باشد اولاً در آن دیدگاه محقق نسبت به موضوع مشخص گردد ثانیاً: ضرورت بحث پیرامون آن موضوع هم بیان شود ثالثاً: هدف از این طرح هم تبیین گردد.

حال در این جلسه پیرامون این سه شاخصه مطالبی ارایه می‌گردد.

۱- تفاوت بررسی «ضرورت، موضوع، هدف» در سطح توسعه، کلان، خرد

تحقیقات کتابخانه، تحقیقاتی در سطح خرد می‌باشد لذا در تمامی مراحل شکل‌گیری تحقیقات کتابخانه‌ای باید به این نکته مهم توجه داشت و نباید این سطح از تحقیقات را با سطوح دیگر تحقیقات - که سطوح کلان و توسعه می‌باشد - خلط نمود. براین اساس در طرح توجیهی - که اولین مرحله تنظیم طرح تحقیقات کتابخانه می‌باشد - می‌بایست ضرورت، موضوع و هدف در سطح خرد بیان گردد.

بیان ضرورت، موضوع، هدف در سطح کلان و توسعه تفاوت جدی با بیان این سه در

سطح خرد دارد.

در سطح توسعه این سه، وحدت پیدا می‌کند و تحت عنوان «استراتژی» یا «ضرورت تکامل» طرح می‌گردند، که این سطح ارتكازی نبوده و تخصصی می‌باشد. در این سطح استراتژی‌سین با دستگاه خاص خود حکومت بر پیدایش نیاز دارد و موضوع، ضرورت و هدف را با جهت تکاملی خود در یک راستا طرح می‌کند. در سطح کلان به دلیل نیمه‌تخصصی بودن آن ضرورت، موضوع و هدف در راستای ملاحظه «تناسبات» طرح می‌گردد و لذا این سه کاملاً مرتبط به یکدیگر و به صورت وصفی قابلیت طرح پیدا می‌کنند.

اما در سطح خرد موضوعات کاملاً از یکدیگر جدا گردید و برای هر یک ضرورت، موضوع و هدف خاصی طرح می‌گردد و تنها در این سطح است که تحقیق رابطه مستقیم با عینیت پیدا می‌کند و به تعبیر دیگر تحقیق، تحقیقی کاربردی می‌گردد.

## ۲- تعریف «ضرورت، موضوع، هدف» در سطح خرد

پس از بیان تفاوت طرح این سه عنوان در سه سطح خرد، کلان، توسعه در این قسمت به جهت مد نظر بودن سطح خرد در تحقیقات کتابخانه‌ای، تعریف و نحوه آرایه این سه در طرح توجیهی بیان می‌گردد.

### ۲/۱- ضرورت

اولین مرحله طرح توجیهی بیان ضرورت تحقیق پیرامون موضوع طرح می‌باشد. ضرورت طرح بیانگر لزوم تغییر وضعیت بر اساس پذیرفته شده‌های فرهنگ موجود می‌باشد. به تعبیر دیگر در سطح خرد طرح ضرورت موضوع همواره می‌بایست با تکیه بر گرایشات، تفکرات و رفتار پذیرفته شده مردم صورت بگیرد چرا که تنها در این صورت است که می‌توان با مخاطبان مفاهمه کرد و در سایه این مفاهمه با آسیب‌شناسی وضعیت موجود، لزوم تغییر وضعیت موجود را اثبات نمود.

بنابراین در بحث ضرورت در سطح خرد، مبتنی بر پذیرفته شده‌های جامعه عدم امنیت یا آسیب‌پذیری فرهنگی اثبات می‌گردد تا کم‌کم زمینه قبول فکر جدید جهت حل آسیب



فراهم گردد.

البته باید توجه داشت که ضرورت، در سطح خرد همواره می‌بایست مرتبط و متأثر از ضرورت در سطح کلان و توسعه باشد که متکفل هماهنگی این سه بانک توسعه تحقیقات می‌باشد.

۲/۲ - موضوع

موضوع طرح همواره بیانگر خصوصیت مورد تصرف در فعل برنامه می‌باشد. به تعبیر دیگر در بحث ضرورت متکی بر پذیرفته شده‌ها عدم امنیت و آسیب‌پذیری اثبات می‌گردد و در بحث موضوع، موضوعی که تغییر آن مبدأ امنیت و رفع آسیب است تبیین و روشن می‌گردد.

۲/۳ - هدف

در قسمت هدف در طرح توجیهی بیان می‌گردد که در سایه چنین تحقیقاتی چه قدرت و توانی برای جامعه در حل نیازمندی حاصل می‌گردد و به تعبیر دیگر آثار بیرونی این تحقیق - اعم از آثار آن به حرکت کل مجموعه یا اجزاء دیگر - روشن می‌شود و از این طریق امید رفع نارسایی‌ها در مخاطب ایجاد می‌گردد به خلاف مرحله ضرورت که تأثیر معکوسی داشت.

۳ - لزوم ذکر هدف و موضوع علاوه بر «ضرورت»، در طرح توجیهی

شاید این سؤال پیش بیاید که در طرح ضرورت، معمولاً باید موضوع طرح و هكذا آثار بیرونی (هدف) هم طرح گردد که در این صورت مباحث قسمت موضوع و هدف تکراری جلوه می‌کند.

در جواب به این سؤال باید به تفکیک مباحث در این سه قسمت توجه داشت که در بحث ضرورت تغییرات مورد انتظار طرح می‌گردد یعنی در قسمت ضرورت می‌گردد که در صورت کار نکردن بر روی این موضوع چه آسیب‌هایی متوجه جامعه می‌گردد.

اما در بحث موضوع آثار درونی خود موضوع تحقیق بررسی می‌گردد به اینکه این تغییر چگونه تغییری است و ساختار تغییر چگونه باید شکل بگیرد؟ در بحث هدف آثار بیرونی موضوع تغییر یافته ذکر می‌گردد بدین معنا که در صورت چنین تحقیقی چه توانمندی برای حل

رفع نیاز صورت می‌گیرد و چه اثرات مثبتی برای جامعه دارد.

به تعبیر دیگر در بحث ضرورت خوف نسبت به وضعیت موجود و در بحث هدف امید نسبت به اصلاح، طرح می‌گردد و حرکت و تغییر هم در نسبت بین این خوف و امید صورت می‌گیرد.

نکته آخر اینکه هر چند ارایه طرح توجیهی بر عهده کاربر پذیر هست اما کارفرما که همانا بانک توسعه تحقیقات است می‌تواند این امر را بصورت یک کار تبلیغاتی انجام دهد.

« والسلام »

خلاصه بحث

## روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

جلسه ۳

تاریخ جلسه: ۷۸/۰۴/۱۹

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

### ضوابط تنظیم طرح توجیهی

مقدمه

اولین مرحله تحقیقات کتابخانه‌ای ارائه طرح توجیهی می‌باشد که در این طرح توجیهی محقق باید ضرورت، موضوع و هدف از طرح خود را بیان کند. در جلسه گذشته اجمالاً معنای این سه عنوان و تفاوت طرح این سه عنوان در سه سطح خرد، کلان و توسعه بیان گردید. حال در ادامه همین بحث ابتدا معنا و ضرورت اصل طرح توجیهی بیان می‌گردد و سپس مروری دوباره به معنای سه عنوان فوق‌الذکر طرح توجیهی صورت می‌گیرد.

#### ۱- معنا و ضرورت طرح توجیهی

اولین مرحله از تحقیقات کتابخانه‌ای آرایه طرح توجیهی از طرف کاربر پذیر به کارفرما می‌باشد. در مراحل بعدی به ترتیب طرح کلیات، طرح تفصیلی و امکان‌سنجی آرایه می‌گردد و در نهایت شیوه نظارت و پیش‌بینی وقایع غیر منتظره صورت می‌گیرد.

معنای طرح توجیهی: طرح توجیهی اولین اقدام محقق (کارپذیر) می‌باشد که در آن فعلی را که مناسب می‌بیند بر روی موضوع مورد سفارش انجام بگیرد برای کارفرما توجیه می‌کند. به تعبیر دیگر در طرح توجیهی، توجیه خود موضوع طرح صورت نمی‌گیرد بدین معنا که محقق ضرورت موضوع و هدف از این موضوع را بیان کند بلکه محقق در طرح توجیهی نسبت به فعل بر روی این موضوع این سه شاخصه (موضوع، ضرورت و هدف) را بیان می‌کند.

بنابراین در یک سطح توجیه اجتماعی موضوع صورت می‌گیرد بدین معنا که ضرورت طرح و کار روی موضوع اثبات می‌گردد که این سطح مربوط به محقق نمی‌شود و بلکه این‌گونه

تصمیمات در سطح کلان است مثلاً توسط بانک توسعه تحقیقات صورت می‌گیرد. سپس محقق نسبت به این موضوع، کیفیت انجام فعل خود را توجیه می‌کند و در صورت پذیرش طرح توجیهی، در کلیات طرح نوع عملیات و فعالیتهای موازی و متوالی را به طور کلی بیان می‌دارد.

ضرورت طرح توجیهی: طرح توجیهی به دو دلیل برای کارفرما ضروری می‌باشد:

اولاً: با طرح توجیهی کارفرما از درک کاربرد نسبت به ابعاد موضوع و نوع فعل روی آن آگاه می‌گردد و ثانیاً: در صورت تعدد کاربرها می‌تواند با مطالعه طرحهای توجیهی مزیت و برتری عملکرد یکی از آنها را بر دیگران تشخیص دهد.

بنابراین به این دو دلیل ما باید بتوانیم شاخصه‌های صحیح برای ارزیابی طرحهای توجیهی به کارفرما - که نوعاً بانک توسعه تحقیقات می‌باشد - ارائه دهیم تا این شاخصه‌ها وسیله ارزیابی طرحهای کتابخانه‌ای گردند.

## ۲ - معنای «ضرورت، موضوع و هدف» در طرح توجیهی

محقق باید در طرح توجیهی نسبت به فعل خود بر روی موضوع سه عنوان «ضرورت، موضوع و هدف» را بیان کند و البته بیان این شاخصه در موضوع در سطوح توسعه، کلان و خرد تفاوت دارد و آنچه که در طرح توجیهی باید توسط محقق در تحقیقات کتابخانه‌ای بیان گردد، ضرورت، موضوع و هدف در سطح خرد می‌باشد. حال برای روشنتر شدن مطلب نحوه طرح این سه عنوان در سطح خرد، کلان و توسعه ذکر می‌شود.

### ۲/۱ - معنای «ضرورت، موضوع، هدف» در سطح توسعه

در سطح توسعه، به لحاظ تکاملی دیدن موضوع، این سه عنوان در موضوع تکامل متحدند و قابلیت تفکیک با یکدیگر ندارند و لذا در این سطح تنها ضرورت تکامل اجتماعی موضوع، مطرح می‌گردد.

### ۲/۲ - معنای «ضرورت، موضوع، هدف» در سطح کلان

در سطح کلان نه همانند سطح توسعه هر سه عنوان متحد می‌گردند و نه مثل سطح خرد به درون و بیرون تقسیم می‌شود بلکه در سطح کلان صحبت از نسبت بین متغیرهای درونی و بیرونی مطرح است که این نسبت‌ها به صورت اوصاف بیان می‌گردند. وصف کاری به موضوع

جزئی ندارد بلکه نسبت بین برآیندهای بیرون و درون است.

با توجه به این خصوصیت در سطح کلان، طرح این سه عنوان در سطح کلان بدین‌گونه می‌باشد.

ضرورت: به معنای ملاحظه نسبت‌های نامطلوب می‌باشد.

هدف: به معنای توان ایجاد نسبت‌های مطلوب می‌باشد.

موضوع: به معنای نحوه تغییر نسبت‌ها برای انتقال از وضعیت نامطلوب به وضعیت مطلوب می‌باشد.

۲/۳ - معنای «ضرورت»، موضوع، هدف» در سطح خرد

طرح این سه عنوان در سطح خرد - که همین سطح باید در طرح توجیهی تحقیقات کتابخانه‌ای ارائه می‌گردد - بدین شکل است که موضوع جدای از موضوعات دیگر ملاحظه می‌گردد. در این سطح صحبت از اوصاف و نسبت‌های بین آنها مطرح نمی‌باشد و به تعبیر دیگر خود موضوع و حتی ابعاد موضوع و آثار آن بصورت مجزا و بگونه مضاف و مضاف‌الیه ملاحظه می‌گردد.

حال با توجه به این نکته معنای این سه عنوان در سطح خرد بدین شکل است:

- ضرورت: در این قسمت ناهنجاری و آسیب‌پذیری درون از بیرون طرح می‌گردد و به تعبیر دیگر ضرورت، بیانگر تأثیر بیرون بر درون می‌باشد.

- موضوع: در این قسمت چگونگی روابط درونی موضوع در مرحله موجود، مطلوب و نحوه انتقال مطرح می‌گردد.

- هدف: در این قسمت توانی که بر اثر غلبه بر شرایط (با تغییر موضوع حاصل می‌شود) بوجود می‌آید تشریح می‌گردد.

البته باید توجه داشت که در هر سه قسمت می‌توان پیشگویی داشت و اینگونه نیست که پیشگویی همواره مخصوص برنامه باشد. مثلاً در بحث ضرورت پیشگویی می‌شود که در صورت دست زدن به درون چه آثاری و آسیب‌هایی از بیرون بر درون وارد می‌شود، یا در بحث موضوع پیشگویی می‌شود که در صورت اینگونه عمل روی موضوع اینگونه انتقال از وضعیت

موجود نه مطلوب صورت می‌گیرد و اگر به شکل دیگر هم عمل شود انتقال به گونه دیگر خواهد شد. یعنی در موضوع پیشگویی نسبت به نوع عمل بر روی موضوع می‌باشد. یاد در بحث هدف پیشگویی می‌شود که اگر این قدرت در سایه تغییر موضوع حاصل نشود چه اثری در بیرون حاصل می‌شود. (عکس پیشگویی در ضرورت).

نکته آخر اینکه همواره باید توجه داشت که تنظیمات در سه سطح خرد کلان و توسعه به یکدیگر وابسته می‌باشند و لذا باید هماهنگی در این سه در هر مرحله از عمل ملاحظه گردد.

« والسلام »

خلاصه بحث

## روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

جله ۴

تاریخ جلسه: ۷۸/۴/۱۹

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

### ضوابط تنظیم طرح توجیهی

#### مقدمه

بحث این جلسات پیرامون روش تنظیم برنامه اولین مرحله برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای یعنی «روش تنظیم طرح توجیهی» می‌باشد. روشن گردید که در طرح توجیهی باید سه عنوان ضرورت، موضوع و هدف بیان گردد که نوع بیان هم باید بصورت خُرد صورت بگیرد یعنی کاربرپذیر باید نسبت به فعل - که قرار است بر روی موضوع مورد سفارش انجام بگیرد - این سه پارامتر را تبیین نماید. در مباحث قبل معنای ضرورت، موضوع، هدف در توجیه اجتماعی طرح بیان گردید. در این جلسه معنای ضرورت، موضوع، هدف در توجیه خود برنامه بیان می‌شود.

#### ۱ - معنای ضرورت، موضوع، هدف در طرح توجیهی

##### ۱/۱ - معنای ضرورت

کارپذیر در طرح توجیهی تنها به بیان فعل خود نسبت به موضوع می‌پردازد و می‌بایست ابتدا در قسمت ضرورت هم «آثار مجموع افعال» خود (نه سرفصلهای عملیاتی انجام فعل) را بازگو کند تا بتواند در سایه آن اولاً درک خود را به کاربرپذیر منتقل کند و ثانیاً رجحان خصوصیت فعل خود را نسبت به افعال پیشنهادی دیگر از سوی دیگر کاربرپذیران اثبات نماید.

بر اساس این مطلب اگرچه کاربرپذیر در ابتدا مستقل از کارفرما می‌باشد چرا که خواست کارفرما بعنوان شرایط بیرونی حاکم بر تصمیمات کاربرپذیر می‌باشد، ولی در صورتی که کاربرپذیر بتواند رجحان خصوصیت فعل خود را برای کارفرما به اثبات برساند و رقباه را از صحنه خارج کند در اینصورت کارفرما مستقل می‌گردد و مجبور می‌شود شرایط و خصوصیات او را قبول کند.

خلاصه بحث

## روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

جلسه ۵

تاریخ جلسه: ۷۸/۰۴/۲۳

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

### ضوابط تنظیم کلیات برنامه

#### مقدمه

در جلسات گذشته ضوابط و شاخصه‌های اولین مرحله از تنظیم طرح تحقیقات کتابخانه‌ای (طرح توجیهی) بررسی گردید. در این جلسه دومین مرحله از تنظیم طرح (طرح کلیات) مورد بررسی قرار می‌گیرد که در ابتدا تعریف کلیات برنامه و سپس ضوابط تنظیم آن بیان می‌شود.

قبل از وارد شدن به متن بحث ذکر دو نکته لازم است اولاً: باید در این سلسله مباحث به ضوابطی دست پیدا کنیم که در سایه آن ضوابط بتوان توانمندی کاربردی را قبل از انجام کار ارزیابی کرد و نه اینکه ارزیابی کار او را تنها در حین کار یا انتهای کار ممکن بدانیم. ثانیاً: باید توجه داشت که تنها پس از بدست آوردن ضوابط برنامه، می‌توان با توجه به آن ضوابط شاخصه‌های مرغوبیت و مقبولیت یک طرح را بدست آورد.

#### ۱- تعریف کلیات برنامه

قبل از تعریف کلیات برنامه باید دقت داشت که کلیات برنامه، کلیات برنامه فعل کاربردی بر روی موضوع مورد متصرف است و در این برنامه کلیات، ذکر نوع سازمانی که کاربردی برای انجام آن فعل در نظر گرفته است، لازم نمی‌باشد.

با توجه به این نکته مشخص می‌گردد که کاربردی در کلیات برنامه، کلیات افعالی را ذکر می‌کند که مبدأ تغییر موضوع می‌باشند.

البته در کلیات برنامه علاوه بر ذکر افعال، می‌بایست کلیات مقدرات و ابزار هم پس از



تعیین افعال ذکر شوند. تفاوت ابزار با مقدمات در اینست که به وسائل مصرفی جاری مقدر و به وسایل و سرمایه‌های ثابت، ابزار می‌گویند، مقدمات مانند سیمان، گچ، خانه‌سازی و ابزار مانند ماشین و...

## ۲ - ضوابط تنظیم کلیات برنامه

کلیات برنامه باید حاوی شاخصه‌های زیر باشد:

۱ - در کلیات برنامه باید مراحل اصلی طرح (مراحل متوالی) در سه زمینه افعال، ابزار و مقدمات ذکر گردد. معیار تشخیص مراحل اصلی، تغییر اساسی افعال، ابزار و مقدمات می‌باشد یعنی با تغییر ساختار فعل و بالطبع ابزار و مقدمات، مرحله جدیدی از برنامه شروع می‌گردد؛ مثلاً مراحل ساختمان‌سازی شنازبندی، سفت‌کاری و نازک‌کاری می‌باشد که در هر مرحله نوع فعل و ابزار و مقدمات خاصی مطرح است.

۲ - در کلیات برنامه علاوه بر مراحل متوالی می‌بایست در هر مرحله هم محورهای اصلی موازی ذکر گردد، مخصوصاً اگر کار جمعی و سازمانی صورت بگیرد مثلاً در یک تحقیقات سازمانی کاربرد باید، مرحله موازی کار خود را مشخص کند مثلاً در یک زمان هم مراد جدا می‌گردد و هم فیش‌نویسی می‌شود و هم کار کیفی روی آن مواد صورت می‌گیرد.

۳ - در کلیات برنامه تنها افعال مباشرتی ذکر می‌گردد و ذکر افعال مدیریتی و مشارکتی نیاز نمی‌باشد چرا که تنها افعال مباشرتی مستقیماً با موضوع ارتباط دارند و بر روی موضوع انجام می‌گیرند.

## ۲/۱ - ضوابط تنظیم کلیات برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

کلیات برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای باید تمامی شاخصه‌های بالا را دارا باشد که برای تطبیق آن شاخصه‌ها بر موضوع تحقیق کتابخانه‌ای احتمالات متعددی قابلیت طرح دارند که در این جلسه یک احتمال ذکر گردید.

در این احتمال، «مشاهده، سنجش، آزمون» به عنوان مراحل اصلی تنظیم برنامه ذکر گردید. البته اگرچه سنجش اصل در تحقیقات نظری، مشاهده اصل در تحقیقات کتابخانه‌ای و آزمون اصل در تحقیقات کاربردی می‌باشد ولی با اینحال می‌توان این سه را در هر یک از سطوح  
سه

تحقیق با توجه به موضوع آن تعریف نمود. مثلاً در تحقیقات کتابخانه‌ای یک کار گزارش‌گری از محتویات تحقیقهای گذشته می‌باشد که همان مشاهده می‌باشد یک کارهای سنجشی بر روی آن مواد صورت می‌گیرد و در آخر بر اساس آن اثبات مدعا (آزمون) صورت می‌گیرد. در آخر باید بدین نکته توجه داشت که کلیات برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای متناسب با گستردگی و عمق آن متفاوت می‌باشد، در سطح ساده تحقیق کتابخانه‌ای (سطح خرد) گردآوری و در سطوح عمیقتر آن (سطح کلان) کشف مبنا صورت می‌گیرد که در این سطح از تحقیق کشف مبنا توسط الگوی تعریف شده صورت می‌گیرد.

« والسلام »

خلاصه بحث

## روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

جله ۶

تاریخ جلسه: ۷۸/۰۴/۲۴

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

### ویژگیها و ضوابط تنظیم کلیات برنامه

مقدمه

در جلسات گذشته ضوابط تنظیم مراحل اول (ارایه طرح توجیهی) و دوم (کلیات برنامه) برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای اجمالاً بررسی گردید و در این جلسه نسبت به تنظیم طرح کلیات ابتدا ویژگیها این مرحله و سپس ضوابط تنظیم آن بررسی می‌گردد.

#### ۱- ویژگیهای طرح کلیات

طرح کلیات باید حاوی مشخصه‌های زیر باشد.

۱- در طرح کلیات باید هم افعال و هم موضوعات مورد تصرف و هم آثار (اهداف) در مراحل موازی و متوالی ذکر گردد.

۲- در طرح کلیات تنها افعال مباشرتی ذکر می‌گردد و نیازی به ذکر افعال مدیریتی و مشارکتی نمی‌باشد چراکه تنها با افعال مباشرتی مستقیماً تصرف بر روی موضوع صورت می‌گیرد.

۳- در طرح کلیات بایست افعال اساسی و افعال اصولی از یکدیگر تمییز داده شود. افعال اساسی در مراحل متوالی و افعال اصولی در محورهای موازی صورت می‌گیرد. شاخصه تشخیص فعل اساسی از فعل اصولی اینست که فعل اساسی منشأ تغییرات در ساختار موضوع مورد متصرف می‌گردد بدین معنا که در مرحله اول یک فعل اساسی با یک ساختار هماهنگ می‌باشد و در مرحله دوم با تغییر ساختار، فعل اساسی دیگری مطرح است؛ ولی افعال

اصولی به افعالی گفته می‌شود که در هر مرحله به صورت موازی صورت می‌گیرد.<sup>۱۸۱</sup>

۲- در کلیات برنامه می‌بایست کلیات مجموعه افعال - چه افعال متوالی و چه افعال موازی - بیان گردد. ذکر افعال متوالی روشن است ولی ذکر افعال موازی در طرح کلیات بدین دلیل است که کارهایی که محتاج به برنامه می‌باشند معمولاً بصورت سازمانی صورت می‌گیرد و در یک سازمان تمامی افراد در آن واحد مشغول بکار هستند و لذا برای بهینه‌سازی فعالیت بخشهای متفاوت می‌بایست از ابتدا نحوه عملکرد هر بخش در برنامه مشخص گردد تا کارها براساس برنامه پیش رود.

۲- بررسی شاخصه‌های «فعل، موضوع، هدف» در کلیات برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای آنچنانکه بیان گردید در کلیات برنامه باید فعل، موضوع و هدف متناسب با مراحل متوالی و موازی ذکر گردد. حال نسبت به تحقیقات کتابخانه‌ای هم در کلیات برنامه باید این سه محور جداگانه ذکر شود که در اینجا احتمالاتی، نسبت به کیفیت طرح (متوالی و موازی) موضوعات و اهداف در کلیات برنامه یک طرح تحقیقی بیان می‌گردد.

#### ۲/۱- شاخصه‌های فعل

- افعال متوالی: «مشاهده، تحلیل، آزمون» شاخصه افعال متوالی در طرح کلیات تحقیق کتابخانه‌ای می‌باشد. یعنی اولین مرحله فعل در یک تحقیق کتابخانه‌ای مشاهده منابع موجود می‌باشد که نسبت به آن منابع «تأمین، تجزیه، ترکیب» صورت می‌گیرد. سپس در مرحله تحلیل، برقراری نسبت می‌شود، یعنی یک نسبتی خاص استنباط و استخراج می‌شود و در مرحله آزمون، براساس آن نسبت‌های خاص، نسبت مورد نظر اثبات می‌گردد.

- افعال موازی: نسبت به شاخصه‌های تعیین افعال موازی در هر محور اساسی دو احتمال مطرح است.

احتمال اول: در هر محور اساسی سه‌گونه افعال نسبت به موضوع متصرفیه همزمان صورت می‌گیرد که آن افعال «افعال کیفی، افعال کمی و نسبت بین افعال کیفی و کمی» می‌باشد.

۱- افعال اساسی در واقع همان سیاستهای برنامه می‌باشند که براساس استراتژی قابلیت طرح پیدا می‌کنند.

احتمال دوم: در هر محور اساسی در یک کار تحقیقاتی همزمان سه فعل «مدیریت، مشارکت و مباشرت» تحقیقاتی صورت می‌گیرد.

### ۲/۲ - شاخصه موضوع

موضوع کار تحقیقات کتابخانه‌ای همواره پیرامون «مبنا، روش و مراد» موضوع مورد تصرف می‌باشد. یک فرد محقق همواره در تحقیقات کتابخانه‌ای نسبت به یک موضوع، ابتدا مسائل حول آن موضوع را جمع‌آوری کرده (مواد) و سپس روش استدلال را در آنها بدست می‌آورد و در آخر با بررسی نسبت‌های متعدد، مبنای جریان یافته در روش استدلال را کشف می‌کند.

### ۲/۳ - شاخصه هدف

هدف از تحقیقات کتابخانه‌ای دستیابی به روند تغییرات در موضوع می‌باشد و تحویل این مهم در سیر تحقیقات با بررسی تغییرات «مبنا، روش و مراد» صورت می‌گیرد که در سایه چنین تحقیقاتی، محقق می‌تواند با شناخت متغیرهای موجود موضوعی (مبنا، روش و مواد موجود) بر اساس الگویی خاص متغیرها را تغییر داده و به متغیرهای مطلوب موضوع (مبنا، روش و مواد مطلوب) برسد.

«والسلام»

## ویژگیها و ضوابط تنظیم کلیات برنامه

## مقدمه

در جلسات گذشته پیرامون نحوه تنظیم دومین مرحله از برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای (کلیات برنامه) مطالبی ارایه گردید و آخرین نتیجه این شد که در کلیات برنامه می‌بایست علاوه بر ذکر افعال متوالی و موازی تغییرات موضوع و ثمرات بدست آمده در طول تغییرات موضوع نیز ذکر گردد. حال در این جلسه علاوه بر طرح ضرورت ذکر مقدمات در کلیات برنامه، ضرورت و گستردگی ذکر مقدمات و افعال نیز تبیین گشته است.

## ۱- لزوم ذکر اجمالی «مقدمات و ابزار» در طرح کلیات

غرض از ارایه طرح کلیات اینست که کارفرما بتواند از میان کارپذیران (کسانی که طرح توجیهی آنان پذیرفته شده است) برنامه یکی را برگزیند و این امر هم در صورتی ممکن خواهد بود که کارپذیر علاوه بر ذکر مراحل، افعال متناسب با هر مرحله و مبلغ و زمان را هم ذکر کند. البته شاید گفته شود که در طرح کلیات لازم نیست مبلغ و زمان ذکر گردد و یا اگر هم ذکر می‌شود بصورت خیلی اجمال باید باشد مثلاً کارپذیر بگوید که من این طرح را در این مدت و با این مبلغ انجام می‌دهم.

این احتمال و عدم لزوم ذکر مبلغ و زمان و یا ذکر اجمالی آن، تنها در جامعه‌ای قابلیت جریان می‌باشد که در فرهنگ آن جامعه «کیفیت تحقیق» بعنوان متغیر اصلی در طرحهای آنان مطرح باشد. در توضیح اینکه متناسب با فرهنگ جامعه متغیر اصلی طرح تنظیمی توسط کارپذیران تفاوت پیدا می‌کند، چه بسا فرهنگ جامعه‌ای به خاطر عدم توسعه نیافتگی مبلغ و

زمان متغیر اصلی باشد و در جوامع توسعه یافته کیفیت مقبول متغیر اصلی مطرح باشد. بهر حال به نظر می‌رسد که برای بالا بردن قابلیت تصمیم‌گیری کارفرما ضروری است که علاوه بر ذکر مراحل اساسی و اصولی کار، مبلغ و زمان هم متناسب با مراحل اصلی در طرح کلیات ذکر گردد.

## ۲- لزوم و کیفیت ذکر مراحل در طرح کلیات

در طرح کلیات می‌بایست اهداف یا مراحل ذکر گردد. در مراحل خصوصیات تغییرات موضوع می‌شود.

بنابراین در طرح کلیات ضروری است که مراحل تغییرات موضوع در ۹ مرحله اولیه ذکر گردد چرا که در غیر اینصورت نحوه کار و ثمرات آن برای کارفرما بسیار مجمل جلوه می‌کند. و بر اساس آن طرح کلیات نمی‌تواند مزیت نسبی یکی از کارپذیران را مشخص کند.

البته باید توجه داشت که متناسب با مراحل تغییر موضوع، تعیین زمان و هزینه در سطح ۹ مرحله ضروری می‌باشد.

نسبت به شاخصه‌های هدف که همانا خصوصیات تغییرات موضوع در مراحل ۹ گانه می‌باشد در تحقیقات کتابخانه‌ای دو احتمال مطرح می‌باشد.

احتمال اول: دستیابی به «پیش‌فرضها، مدل و معادله» شاخصه‌های هدف می‌باشند. یعنی در تحقیقات کتابخانه‌ای پس از تجزیه و ترکیب مواد و بررسی سیر تاریخی تحول موضوع، پیش‌فرضهای حاکم بر تغییر موضوع و سپس مدل و معادله مبتنی بر آن پیش‌فرضها بدست می‌آید.

احتمال دوم: دستیابی به «مصدق، روش و فلسفه» شاخصه‌های هدف می‌باشند. یعنی اولین مرحله در تحقیقات کتابخانه‌ای جمع‌آوری مصادیق و تجزیه و ترکیب آنها می‌باشد. سپس در مرحله دوم روش حاکم بر استدلالهای در مصادیق و مسائل بدست می‌آید و در آخر کار فلسفه و مبانی استدلالات کشف می‌گردد.

## ۳- لزوم ذکر افعال در طرح کلیات

شاید گفته شود که با ذکر مراحل (اهداف) تغییرات موضوع و مقدمات دیگر نیازی به

ذکر افعال نمی‌باشد چرا که آنچه مهم برای کارفرما می‌باشد محصول (آثار)، مقدار مخارج و زمان کار می‌باشد و کاری به نوع فعل کاربردی ندارد و لذا ذکر آن ضروری نمی‌باشد.

ولی با کمی دقت مشخص می‌گردد که ذکر افعال هم ضروری می‌باشد چرا که تنها در اینصورت است که کارفرما می‌تواند از ابتدا به قدرت ارزیابی کار توسط کاربردی واقف شود و معقولیت طرح او را قبول کند. یعنی اگر کاربردی افعال را ذکر نکند و فقط نوع محصولات را مرتباً خرد و برای کاربردی بیان کند، باز هم این سؤال برای کاربردی مطرح است که چگونه این نتایج بدست می‌آید و چه افعالی روی موضوع باید انجام بگیرد تا این محصولات حاصل شود؟ بنابراین ذکر افعال هم در حد کلیت آن در کلیات برنامه لازم است. کمترین سطح در ذکر افعال سطوح ۹ گانه فعل می‌باشد که متناسب با سطوح ۹ گانه تغییرات موضوع است؛ اما ذکر تفصیلی افعال همانند اهداف در طرح تفصیلی صورت می‌گیرد.

« والسلام »



خلاصه بحث

## روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

جلسه ۸

تاریخ جلسه: ۷۸/۰۴/۳۰

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

### ضوابط تعیین فعل، موضوع، هدف در کلیات برنامه

#### مقدمه

پس از بررسی ضوابط تنظیم طرح توجیهی، در مرحله دوم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای، کاربرپذیر باید کلیات برنامه خود را به کارفرما ارائه دهد. کلیات برنامه می‌بایست در سه محور فعل، موضوع و هدف تنظیم گردد که در این جلسه شاخصه‌های تنظیم این سه محور در کلیات برنامه بیان گردیده است.

قبل از بیان شاخصه‌های هر یک باید بدین نکته توجه داشت که در کلیات برنامه می‌بایست ابتدا مراحل متوالی - که در هر مرحله هدفی خاص تحقق پیدا می‌کند - و سپس در هر مرحله، افعال موازی و موضوعات مشخص گردد.

#### ۱ - «نقد، نقض، طرح» اهداف مرحله‌ای در کلیات برنامه

با توجه به ضرورت تحقیقات کتابخانه‌ای در جهت جایگزینی فرهنگ جدید به جای فرهنگ گذشته، سیر یک تحقیق کتابخانه‌ای می‌بایست ابتدا از نقد مطالب گذشته در موضوعات مختلف و سپس نقض و در آخر طرح مطلب جدید در آن موضوع صورت بگیرد.

#### ۲ - «تألیف، تصنیف، تأسیس» افعال موازی در کلیات برنامه

تألیف، تصنیف، تأسیس «افعال موازی در کلیات برنامه می‌باشند. بدین معنا که در هر مرحله از مراحل «نقد، نقض، طرح» این سه فعل بصورت موازی صورت می‌گیرد.

لذا هم نقد تألیفی و هم نقض تألیفی و هم طرح تألیفی مطرح می‌باشد و هکذا نسبت به تصنیف و تأسیس این سه عنوان مطرح است. البته باید به دو نکته توجه داشت که اولاً: معنای

«تألیف، تصنیف، تأسیس» در سه مرحله نقد، نقض و طرح معنای خاص خود را می‌دهند و اینگونه نیست که نقد تألیفی با نقد تصنیفی به یک معنا و با شاخصه‌های مشترک باشند. ثانیاً: اگرچه بین تألیف، تصنیف و تأسیس می‌بایست فاصله زمانی اندکی باشد - چراکه ابتدا تألیف و سپس تصنیف و در آخر باید تأسیس صورت بگیرد - ولی این فاصله زمانی کوتاه مصفر به توازی بودن آنها در برنامه نمی‌باشد زیرا با گذشت مقداری از کار تألیف می‌توان به موازات آن کار، کار تصنیف و با گذشت مقداری از کار تصنیف، کار تأسیس را شروع کرد.

### ۳ - «مواد، مسایل، مبنای» موضوعات در کلیات برنامه

موضوعات هر مرحله از مراحل برنامه «مواد، مسایل و مبنای» در موضوعات مورد تحقیق می‌باشند. بالطبع در مرحله نقد محقق در موضوع خاص خود، مواد، مسایل و مبنای (جریان یافته در این مواد و مسائل) را مورد نقد قرار می‌دهد و در مرحله بعد آنها را نقض و سپس بر پایه آن نقد و نقض مباحث جدید را طرح می‌کند.

بنابراین این ۹ عنوان مطرح شده، کلی‌ترین سرفصلهای کلیات برنامه تحقیق کتابخانه‌ای می‌باشند که با استفاده از سایر عناوین جدول کاربرگ بانک اطلاعات می‌توان به سرفصلهای خردتر هم دست یافت.

### ۴ - لزوم «مشاهده، سنجش، آزمون» در تحقیقات کتابخانه‌ای تاریخی

اگر بخواهیم در یک تحقیقات کتابخانه‌ای کارآمدی یک علم را در طول تاریخ آن علم بررسی کنیم می‌بایست در مقاطع مختلف تاریخ مجموعه آن علم ابتدا بررسی گردد (مشاهده) و سپس تئوریهای آن در جهت کارآمدی استخراج گردد و در آخر کارآیی آن در عینیت (آزمون) ملاحظه گردد، یعنی بررسی شود که این علم در مقاطع مختلف تاریخ چه مسائلی را پاسخگو بوده و چه مسائلی را پاسخگو نبوده است.

«والسلام»

خلاصه بحث

## روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

جلسه ۹

تاریخ جلسه: ۷۸/۰۴/۳۱

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

تعریف و رابطه اوصاف فعل، موضوع، هدف در برنامه تحقیق کتابخانه‌ای

### مقدمه

پس از مشخص شدن سرفصلهای کلی برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای در این جلسه ابتدا تعریف این سرفصلها و سپس نحوه ضرب این سرفصلها در یکدیگر و در آخر برخی از معانی ترکیبهای بدست آمده بررسی می‌گردد.

### ۱- تعریف اوصاف «هدف و فعل» در کلیات برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

قبل از تعریف اوصاف هدف و فعل باید توجه داشت که موضوعات برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای «مواد، مسأله و مبنا» موضوع مورد تحقیق می‌باشد، یعنی در تمامی مراحل تحقیق نسبت به این سه محور در موضوع مورد تحقیق بررسی صورت می‌گیرد. البته شاید احتمال «مسأله، استدلال، مبنا» هم نسبت به موضوعات مطرح باشد ولی با کمی دقت مشخص می‌گردد که احتمال اول بهتر است.

### ۱/۱- تعریف اوصاف هدف «نقد، نقض، طرح»

«نقد، نقض، طرح» اهداف مرحله‌ای در کلیات برنامه می‌باشند

نقد: در مرحله نقد نارسایی و آسیب‌پذیری مواد و مسائل ارزیابی می‌گردد.

نقض: در مرحله نقض اثبات می‌گردد که این آسیب‌پذیری در مواد و مسائل بازگشت به

آسیب‌پذیری در مبنا می‌کند و لذا در این مرحله نارسایی مبنا بررسی می‌گردد.

طرح: در مرحله طرح نارسایی و آسیب‌پذیری جبران می‌گردد. البته در این مرحله تنها

ساده‌ترین جبران صورت می‌گیرد، یعنی تنها امکان حل مشکل مطرح می‌گردد و نه اینکه حل مشکل هم صورت بگیرد که قاعدتاً اینکار به صورت تمثیلی با مواد موجود امکان‌پذیر است.

۱/۲ - تعریف اوصاف فعل «تألیف، تصنیف، تأسیس»

محقق در مراحل کار «نقد، نقض، طرح» بر روی موضوعات (مواد، مسائل، مبنا) افعال

ریز را انجام می‌دهد.

تألیف: فعل محقق در این قسمت تنها آرایش مواد می‌باشد که در این آرایش هیچگونه

کم و زیادی نسبت به مواد صورت نمی‌گیرد.

تصنیف: پس از آرایش مواد، محقق با کمک مبنای گذشته کاستیهای مواد را بدست

می‌آورد. به تعبیر دیگر در این قسمت محقق علاوه بر حفظ هدف، خود مینا گذشته را هم حفظ

و مسائل آن را اضافه می‌کند تا تبیین بهتری نسبت به موضوع صورت بگیرد.

تأسیس: به معنای تکامل در مقیاس صحت یک علم است. در این قسمت برای موضوع

کارآمدی و هدف جدید و بالطبع مبنای جدیدی هم تعریف می‌شود و براساس آن مسائل و مواد

جدیدی قابلیت طرح پیدا می‌کنند. در حقیقت تأسیس به معنای تحول یک علم است.

۲ - بررسی نحوه ارتباط بین اوصاف فعل، موضوع، هدف

پس از تعریف اوصاف فعل، موضوع، هدف در این قسمت با ضرب این اوصاف دز

یکدیگر می‌توان یک جدول ماتریس با ۲۷ اصطلاح بدست آورد تا براساس آن جدول بتوان

ضوابط تنظیم طرح کلیات را تنظیم کرد. فایده چنین جدولی اینست که براساس آن می‌توان افعال

را دسته‌بندی و وزن و جایگاه هر یک را مشخص کرد. لذا هرچند لازم نیست که این اصطلاحات

در تنظیم ضوابط طرح ذکر گردد ولی برای آموزش و کیفیت بدست آوردن این ضوابط طرح آن

ضروری است.

حال در نحوه ضرب این اوصاف در یکدیگر چند احتمال زیر مطرح می‌باشد:

احتمال اول: تقدم اوصاف هدف بر اوصاف موضوع و اوصاف موضوع بر اوصاف فعل.

در این احتمال «نقد، نقض، طرح» قید اول و «مواد، مسائل، مبنا» قید دوم و «تألیف،

تصنیف، تأسیس، قید سوم قرار می‌گیرد. مثلاً نقد مواد تألیفی به معنای اینست که مواد را بصورت تألیفی نقد می‌کنیم. البته بنا بر این احتمال می‌بایست جدول تنظیم مفاهیم و جدول روند و ترتیب اجرایی جداگانه ترسیم گردد.

احتمال دوم: تقدم اوصاف هدف بر اوصاف فعل و اوصاف فعل بر اوصاف موضوع.

در این احتمال «نقد، نقض، طرح» قید اول و «تألیف، تصنیف، تأسیس» قید دوم و «مواد، مسائل، مبنا» قید سوم قرار می‌گیرند مثلاً نقد تألیفی مواد.

احتمال سوم: تقدم اوصاف فعل بر اوصاف موضوع و اوصاف موضوع بر اوصاف هدف.

در این احتمال «تألیف، تصنیف، تأسیس» قید اول و «مواد، مسائل، مبنا» قید دوم و «نقد، نقض، طرح» قید سوم قرار می‌گیرند مثلاً تألیف مواد برای رسیدن به مرحله نقد، این احتمال با کار برنامه‌ای سازگارتر می‌باشد و در سایه آن می‌توان کارهای موازی و متوالی را به خوبی تشخیص داد. به عبارت دیگر با قرار گرفتن هدف به عنوان قید سوم سه مرحله متوالی نقد و نقض، طرح شکل می‌گیرد که در هر مرحله سه فعل موازی تألیف، تصنیف و تأسیس بر روی موضوعات صورت می‌گیرد.

همچنین در این احتمال هدف اصل می‌شود و فعل به تبع آن معنا می‌شود، یعنی در مرحله نقد کار موضوعاً نقد است و تألیف در این مرحله به معنای نظام دادن به مواد نقد است. به عبارت دیگر بنا بر این احتمال نقد صفت فعل است و نه موضوع فعل و تفاوت ایندو در اینست که در صورت اول (نقد صفت فعل) موضوع مورد نقد اصل قرار می‌گیرد و در صورت دوم (نقد موضوع فعل) فعل به عمل نقد شناخته و مواد هم به همان شکل دیده می‌شوند.

### ۳- تعریف ۶ اصطلاح سه قیدی جدول برنامه تحقیق بنا بر احتمال دوم

بنا بر احتمال دوم - تقدم اوصاف هدف بر اوصاف فعل و اوصاف فعل بر اوصاف موضوع

- ۲۷ اصطلاح سه قیدی بدست می‌آید که ۶ اصطلاح آن اینگونه معنا می‌گردد.

نقد تألیفی مواد: در این مرحله از کار با «تأمین، تجزیه، ترکیب» خاص، آرایش موجود

مواد به هم می‌خورد و آرایش جدیدی پیدا می‌کنند که در سایه این آرایش جدید نارسایی آن

مواد در حل مسائل مورد نظر اثبات می‌گردند.

عموم تحقیقات کتابخانه‌ای در چنین سطحی می‌باشند، یعنی تنها به نقد تألیفی می‌پردازند و البته نوعاً هم بدنال اثبات نارسایی در آن علم نیستند بلکه تنها به آرایش جدیدی برای انتقال یا سهولت دسترسی و... می‌پردازند.

نقض تألیفی مواد: پس از اثبات نارسایی مواد در مرحله نقد در این مرحله اثبات می‌گردد که منشأ این نارسایی بازگشت به ظرفیت مبنا و یا نارسایی مبنا می‌کند. البته برای رسیدن به چنین منظوری ابتدا باید تغییر آرایش مواد در مسایل ملاحظه گردد و در سایه آن ناکارآمدی آن مسائل اثبات گردد و سپس اثر آن نارسایی در مواد و مسائل به مبنا بازگشت داده شود و اثبات گردد که این مبنا نمی‌تواند این نارسایی در مواد و مسائل را حل نماید.

طرح تألیفی مواد: در این مرحله بصورت تمثیلی و با ارائه نمونه‌های متعدد امکان حل نارسایی اثبات می‌گردد.

نقد تألیفی مسأله: در این مرحله موضوع کار محقق برهان و مواد برهان، است. یعنی محقق بدنال اینست که اولاً نظام برهان (تناسب نسبتها) در حل مسائل را کشف کند و ثانیاً: با آرایش جدید مسائل، نارسایی آن نظام برهان را با حفظ مبنای گذشته اثبات کند. بنابراین در این مرحله محقق تنها به کبریات استدلالات کبار دارد و بدنال اثبات نارسایی در کبریات و نه صغریات می‌باشد.

نقض تألیفی مسأله: پس از اثبات نارسایی کبریات در مرحله نقد، در مرحله نقض اثبات می‌گردد که منشأ این نارسایی بازگشت به ضعف مبنا می‌کند، یعنی ضعف کارآمدی مبنا گذشته در حل مسائل اثبات می‌شود.

طرح تألیفی مسأله: پس از اثبات ضعف مبنا در مرحله نقض، در این مرحله محقق نظام کبریات جدیدی را برای رفع نارسایی‌ها ارایه می‌کند، یعنی با آن نظام کبریات مسائل جدید را پاسخ می‌دهد و کم‌کم زمینه طرح مبنائی جدید فراهم می‌گردد.

۴- احتمال ذکر «تألیف»، تصنیف، تأسیس به عنوان اوصاف هدف

احتمال دیگری هم نسبت به اوصاف هدف و فعل مطرح می‌باشد و آن جایجائی این دو دسته اوصاف است. یعنی «تألیف»، تصنیف، تأسیس» به عنوان اوصاف هدف و «نقد، نقص، طرح» بعنوان اوصاف فعل فرض گردد. حال بنا بر این قاعده که در برنامه باید فعل و ماده به هدف تعریف شوند (چرا که هدف در برنامه اصل می‌باشد) در این احتمال «نقد، نقص، طرح» قید اول و «مواد، مسأله، مبنا» قید دوم و «تألیف، تصنیف، تأسیس» قید سوم قرار می‌گیرند و در اینصورت هدف به فعل و موضوع تعریف می‌گردد.

«والسلام»

خلاصه بحث

## روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

جلسه ۱۰

تاریخ جلسه: ۷۸/۰۵/۰۲

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

۱- ویژگیهای کلیات برنامه و اوصاف فعل و هدف

۲- کیفیت ارزیابی توانمندی کاربرپذیر

مقدمه

در جلسات گذشته ضوابط تنظیم طرح توجیهی و کلیات برنامه بیان گردید و در ادامه با بازنگری دوباره ابتدا ویژگیهای کلیات برنامه و سپس اوصاف فعل و هدف در برنامه تحقیق ذکر می‌گردد و در آخر کیفیت ارزیابی توانمندی کاربرپذیر توسط کارفرما بیان می‌گردد.

### ۱- ویژگیهای کلیات برنامه

در مباحث گذشته چند ویژگی کلیات برنامه مطرح گردید و در اینجا هم به چند ویژگی دیگر اشاره می‌گردد.

الف) در کلیات برنامه باید اهداف مرحله‌ای، افعال و موضوعات در حد کلی بیان می‌گردد. یعنی حداقل سه هدف مرحله‌ای که در هر مرحله سه‌گونه فعل بر روی سه طایفه از موضوعات صورت می‌گیرد که با ضرب اینها در اینها یک جدول ۲۷ گانه اصطلاحات سه‌قیدی بدست می‌آید.

ب) در کلیات برنامه، باید پیش‌نیازهای برنامه هم ذکر گردد و مثلاً در برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای باید قبل از شروع این تحقیقات در مراحل نقد، نقض و طرح منابع مربوطه «تأمین»، تجزیه و ترکیب» شوند. البته بیان هزینه انجام این پیش‌نیازها و ذکر تمامی افعال در طرح تفصیلی صورت می‌گیرد.

ج) در کلیات برنامه نیازی به امکان‌سنجی نمی‌باشد، یعنی لزومی ندارد که نحوه استفاده



از ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای رسیدن به اهداف یا مبلغ هر مرحله از کار بصورت جزئی ذکر گردد. بله در کلیات برنامه مبلغ بصورت خیلی کلی و اجمالی ذکر می‌شود.

د) در طرح کلیات تنها فعل اصلی برنامه ذکر می‌گردد مثلاً در تحقیقات کتابخانه‌ای فعل اصلی برنامه «تألیف، تصنیف، تأسیس» است ولی در طرح تفصیلی ذکر تمامی افعال و امکانات لازم برای انجام آن افعال ضروری می‌باشد.

### ۲- نکاتی پیرامون اوصاف فعل و هدف در برنامه تحقیق کتابخانه‌ای

الف) در برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای اوصاف فعل «تألیف، تصنیف، تأسیس» می‌باشد که این اوصاف بیانگر مراحل برنامه تحقیق کتابخانه‌ای می‌باشد.

ب) «نقد، نقض، طرح» اوصاف هدف در برنامه تحقیق کتابخانه‌ای می‌باشند که این اوصاف مربوط به موضوع فعل (مواد، مسأله، مینا) می‌باشند و ناظر به خود فعل نمی‌باشند.

ج) در برنامه تحقیق برای رسیدن به هدف، فعل اصل می‌باشد و نه اینکه هدف اصل باشد و لذا در جدول ماتریس این فعل است که در ستون نوشته می‌شود.

د) «نقد، نقض، طرح» اهداف مرحله‌ای هستند که به عنوان موضوع اصلی در اصطلاحات جدول و موصوف دوم واقع می‌شوند. یعنی اینها در حقیقت موضوع اصلی هستند که به تبع آنها موضوع فرعی و به تبع موضوع فرعی موضوع تبعی مشخص می‌شود.

ه) تفاوت دو دسته اوصاف «نقد، نقض و طرح» با «تألیف، تصنیف، تأسیس» در اینست که دسته اول اوصاف موضوع و دسته دوم اوصاف فعلی می‌باشند لذا ممکن است که نقد ما روی مواد گاهی تألیفی و گاهی تصنیفی و گاهی هم تأسیسی باشد و هكذا «طرح» گاهی تألیفی و گاهی هم می‌تواند تأسیسی باشد.

### ۳- کیفیت ارزیابی کاربردی

شاید این سؤال مطرح باشد که پس از تنظیم ضوابط برنامه تحقیق و ارایه آن ضوابط به کاربردی، نحوه تنظیم برنامه‌های تحقیق در یک موضوع بسیار به هم نزدیک می‌شوند و ابهام و آشفتگی به نسبت زیادی توسط ضوابط از میان می‌رود، در اینصورت چگونه می‌توان توانمندی کاربردی را ارزیابی کرد و از میان آنها یکی را به عنوان کاربردی موفق انتخاب نمود؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که موفقیت در حین عمل نهائی ترین معیار ارزیابی توانمندی کاربر می باشد ولی قبل از عمل هم می توان توانمندی کاربر را ارزیابی کرد و آن در مرحله ارایه طرح تفصیلی می باشد مخصوصاً در قسمتی از طرح تفصیلی که پس از ذکر افعال و موضوعات و اهداف، برآوردهای زمانی و مبلغ مشخص می گردد، در اینجا اگر برآورد زمان و مبلغ با افعال هماهنگی داشت مشخص می گردد که کاربر بر نحوه کار خود مسلط است والا طرح او ناقص می باشد. البته باید توجه داشت که هر یک از مراحل طرح توجیهی، کلیات برنامه و طرح تفصیلی هر یک به نوبه خود نشانگر توانمندی های کاربر می باشد و اینگونه نیست که با ارایه ضوابط برنامه نویسی، تمام کاربران به یک گونه طرح توجیهی و طرح کلیات در یک موضوع بدهند.

« والسلام »

### تجدید نظر در ضوابط تنظیم کلیات برنامه

#### مقدمه

در جلسات گذشته ضوابط تنظیم طرح توجیهی و کلیات برنامه بیان گردید و در تنظیم کلیات برنامه سه دسته اوصاف فعل (تألیف، تصنیف، تأسیس)، موضوع (مواد، مسئله، مبحث) و هدف (نقد، نقض، طرح) پیشنهاد گردید. در ادامه کاربرد ۹ وصف پیشنهادی در تنظیم برنامه تحقیق بررسی می‌گردد و سپس احتمالی جدید در تنظیم برنامه تحقیقات ارائه می‌شود. البته قبل از پرداختن به اصل بحث بخشی از ملاکات عمومی در تنظیم ضوابط برنامه مطرح می‌گردد.

#### ۱- ملاکات عمومی در تنظیم ضوابط برنامه

الف) منطق طبقه‌بندی درونی یک تحقیق می‌بایست هماهنگی کامل با منطق طبقه‌بندی بیرونی داشته باشد چرا که در غیر اینصورت تشخیص جایگاه موضوع و قضاوت نسبت به بدی یا خوبی تحقیق مشکل خواهد شد، لذا لازم است منطق طبقه‌بندی بیرونی و درونی تحقیق وحدت داشته باشند.

ب) تحقیقات در هر منزلتی که باشد می‌بایست متناسب با نیازمندیهای جامعه صورت بگیرد و به تعبیر دیگر باید تحقیقات اولویت‌بندی شوند و معیار اولویت هم هماهنگی تحقیقات با سیر توسعه نیازمندیهای جامعه می‌باشد.

ج) در بررسی سیر تحولات یک علم همواره می‌بایست توجه به کارآمدی آن علم در حل معضلات اجتماعی داشت، یعنی باید ربط علم با بیرون آن ملاحظه گردد و برای دستیابی به چنین منظوری می‌بایست از تمام اوصاف کاربرگ تحقیقات استفاده کرد.

د) ضوابط تنظیم برنامه، باید ضوابطی باشند که در تمامی سطوح تحقیقات تکرارپذیر بوده تا به شمولیت بحث لطمه‌ای وارد نشود که بالطبع در صورت داشتن چنین ویژگی می‌توان براساس این ضوابط، خوبی یا بدی تمامی سطوح تحقیق را مشخص کرد.

ه) کارپذیر در طرح کلیات تنها فعل، موضوع و هدفِ نفس تحقیق را بیان می‌کند و تنها در طرح تفصیلی فعل، موضوع و هدف لوازم تحقیق بیان می‌گردد.

## ۲- کاربرد اوصاف فعل، موضوع، هدف در تنظیم ضوابط برنامه تحقیق

سؤال اساسی در این قسمت اینست که آیا تنها با این اوصاف پیشنهادی (تألیف، تصنیف، تأسیس «مواد، مسئله، مبنا» نقد، نقض، طرح) می‌توان ضوابط برنامه تحقیق را ارایه داد یا خیر؟ به عبارت دیگر اوصاف پیشنهادی می‌توانند منطبق طبقه‌بندی تحقیقات را شکل دهند ولی آیا علاوه بر این کارایی، می‌توانند به عنوان معیاری تکرارپذیر در تمامی سطوح تحقیقات هم باشند یا خیر؟ با توجه به لزوم وصف تکرارپذیری ضوابط مشخص می‌شود که اوصاف پیشنهادی هرچند معیار طبقه‌بندی تحقیقات می‌باشند ولی اینگونه نیست که این اوصاف تمامی سطوح تحقیقات را شامل بشوند و بتوان براساس آنها ضوابط تنظیم برنامه هر سطح از تحقیق را براساس آن تنظیم نمود. مثلاً وقتی صحبت از ضوابط کیفیت تألیف، نقد، مواد موضوعی خاص می‌باشد، این ضوابط هرگز در تحقیق تصنیفی نقد مواد کارآمد نمی‌باشند چرا که موضوعاً تحقیق تغییر کرده و ضوابط خاص خودش را می‌طلبد. لذا باید بدنبال اوصافی بود که در تمامی سطوح تحقیقات - چه تحقیقات تألیفی و چه تحقیقات تصنیفی و تأسیسی - تکرارپذیر بوده و بتوان براساس آنها ضوابط فراگیر در تنظیم برنامه تحقیق را ارایه داد.

۳- پیشنهاد ۹ وصف «مبادی، مبانی، نتایج»، «ثبوت، اثبات آثار»، «نسبت، استناد، تناسب»

در تنظیم طرح تحقیق

پس از اثبات عدم کاربرد اوصاف پیشین در تنظیم ضوابط برنامه، ۹ وصف «مبادی، مبانی، نتایج»، «ثبوت، اثبات، آثار» و نسبت، استناد، تناسب» به عنوان اوصافی مطرح گردیدند که در تمامی سطوح تحقیقات قابل جریان می‌باشند و لذا می‌توان براساس آنها ضوابط برنامه تحقیقات را تنظیم کرد، مثلاً هر تحقیقی، شروع، ختم و تکیه‌گاهی (مبادی، مبانی، نتایج) دارد.

« والسلام »

خلاصه بحث

## روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

جلسه ۱۲

تاریخ جلسه: ۷۸/۰۵/۲۱

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

بررسی ضوابط تنظیم برنامه تحقیق از دو زاویه

(سیر از مصداق به سمت قواعد کلی و برعکس)

### مقدمه

در جلسات گذشته پیرامون نحوه تنظیم کلیات برنامه احتمالات متعددی بیان گردید، با بررسی این احتمالات این نتیجه بدست آمد که در تنظیم ضوابط برنامه باید دو شاخصه مهم را مد نظر باشد اولاً: این ضوابط تکرارپذیر در تمامی سطوح تحقیقات باشند و قید موضوعی خاص یک سطح از تحقیق را دارا نمی‌باشند ثانیاً: این ضوابط تمامی مراحل تحقق تحقیق را شامل شوند.

با توجه به این دو خصوصیت در این جلسه از دو زاویه (سیر از پائین و سیر از بالا) کیفیت

تنظیم ضوابط بررسی گردید.

۱ - تنظیم چگونگی تحقق تحقیق در سه سطح (سیر از قواعد کلی به سمت مصداق)

یکی از اشکالات پیشنهادات قبلی در تنظیم ضوابط برنامه تحقیق این بود که آن پیشنهادات تنها حول محور نفس تحقیق ارایه می‌گردید، لذا فعل، موضوع و هدف تنها در این حیطه بیان می‌گردید و حال آنکه با کمی توجه مشخص می‌شود که تحقق یک تحقیق تنها در سایه افعال و موضوعات نفس تحقیق نمی‌باشد بلکه افعال متعدد دیگری من جمله افعال مدیریتی در تحقق تحقیق نقش دارند و لذا در تنظیم برنامه تحقیق باید به این نکته توجه داشت. با توجه به این نتیجه بدست می‌آید که «فعل موضوعاً» در برنامه تحقیق هر چند «فعل تحقیقاتی» می‌باشد اما لزوماً محدود به «فعل تحقیق» نمی‌باشد.

حال براساس چنین توجهی می‌توان اینگونه بیان داشت که تمامی مراحل تحقیق در سه سطح زیر تحقق پیدا می‌کنند و در برنامه تحقیق هم باید ضوابط این سه سطح بررسی گردد.

الف) - نفس تحقیق: تمامی پیشنهادات قبلی پیرامون ضوابط تنظیم نقش تحقیق ارایه گردید که بهترین آنها همان جدولی بود که براساس ۹ وصف «تالیف، تصنیف، تأسیس» «مواد، مسأله، مبنای»، «نقد، نقض، طرح» تنظیم گردید.

ب) لازمه اول تحقیق: لوازم اولیه تحقیق، به لوازمی اطلاق می‌گردد که تحققاً در ماهیت کار تحقیقاتی دخیل هستند برخلاف لوازم دوم که نمی‌توان به آنها کار تحقیق اطلاق کرد. لوازم اولیه تحقیق بستر گمانه را در تحقیق فراهم می‌آورند. «تأسیس، تجزیه و ترکیب» منابع با نرم‌افزارها و جدولهایی خاص چنین نقشی را در تحقق تحقیق برعهده دارند.

البته باید توجه داشت که تأمین منابع همواره براساس نظام سئوالات تنظیمی صورت می‌گیرد و فایده دیگر تنظیم نظام سئوالات قبل از شروع به کار اینست که محدوده کار تحقیقاتی را روشن می‌کند و انتظارات را به یک تعادل نسبی می‌رساند.

ج) لازمه دوم تحقیق: لوازم مرتبه دوم تحقیق، لوازمی هستند که در ماهیت تحقیق دخیل نیستند. هرچند بدون این لوازم هم تحقیق قابل تحقق نمی‌باشد. نیروی انسانی، مقدمات ابزار و مقدمات طبیعی لوازم دوم تحقیق می‌باشند. البته این لوازم خود قابلیت درجه‌بندی دارند مثلاً کتاب هرچند مقدور ابزاری در عمل تحقیق می‌باشد ولی جزو مقدمات اولیه در تحقیقات کتابخانه‌ای است.

همچنین سازماندهی تحقیقات جزو لوازم مرتبه دوم تحقیقات می‌باشد که براساس آن هماهنگ‌سازی تحقیقات صورت می‌گیرد.

## ۲ - سیر از مصداق به سمت قواعد کلی، در تنظیم ضوابط برنامه تحقیق

تا حال احتمالاتی متعددی که نسبت به ضوابط برنامه تحقیقات ارایه گردید، با توجه به مباحث روشی بوده یعنی سیر از بالا به پائین (از قواعد کلی به مصداق) بود حال برای بهینه‌سازی سیر مباحث لازم است نگاهی هم به عینیت داشته باشیم و بررسی کنیم که در تحقیقات موجود کتابخانه‌ای چه اعمالی و ضوابطی اعمال می‌گردد.

تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای در چهار مرحله صورت می‌گیرد.

مرحله اول: تنظیم فهرست. اولین مرحله تحقیق اینست که محقق با جمع‌آوری موضوعات و مسائل مرتبط با موضوع تحقیق، ساختار و نظامی خاص از آن موضوعات براساس هدف از قبل تعیین شده بدست می‌آورد و همواره در طول تحقیق موضوعات تحقیقاتی را تطبیق به فهرست می‌دهد.

البته باید توجه داشت که فهرست بیانگر خصوصیت «موضوع تحقیق» است اما هیچگاه بیانگر خصوصیت «فعل تحقیق» نمی‌باشد، لذا چه بسا دو محقق فهرستی شبیه به هم ارائه داده باشند و در ارائه خصوصیات موضوع تحقیق هم خیلی به هم نزدیک باشند ولی خصوصیت فعل آندو در تحقق آن فهرست بسیار با هم فاصله داشته باشد.

مرحله دوم: تنظیم فعل تحقیقاتی. پس از تنظیم فهرست، تنظیم افعال متناسب با تحقق فهرست می‌باشد، یعنی افعالی که ناظر به موضوعات می‌باشند و بین موضوعات برقراری نسبت می‌کنند. این افعال جدای از موضوعات درونی فهرست خود دارای طبقه‌بندی هستند و همگذا قابلیت انصاف به خوبی و بدی را دارند. یعنی در تحقیق، مستقل از موضوع، مسئله خوبی و بدی خود فعل هم مطرح است.

مرحله سوم: بررسی مقدمات. سومین مرحله بررسی مقدمات و امکانات جهت تحقق افعال تحقیقاتی می‌باشد.

مرحله چهارم: زمان‌بندی فعالیتها. آخرین مرحله در تنظیم برنامه تحقیقات زمان‌بندی فعالیتها جهت تحقق تحقیق می‌باشد.

در آخر ذکر این نکته لازم است که در سیر از مصداق به سمت قواعد کلی برای تنظیم برنامه هر چند تمامی مفاهیم به‌صورت مضاف و مضاف‌الیه مطرح می‌گردند اما برای مطالعه تکامل تحقیق حتماً نیازمند به ملاحظه وصفی مفاهیم می‌باشیم چرا که تنها در صورت ملاحظه وصفی است که انعکاس و تأثیر و تأثیرات مفاهیم در یکدیگر مشخص می‌گردد و بالطبع قدرت هدایت کاملتر می‌شود.



خلاصه بحث

## روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

جلسه ۱۳

تاریخ جلسه: ۷۸/۰۵/۲۳

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

### طرح احتمال جدید در تنظیم کلیات برنامه

#### مقدمه

بحث پیرامون نحوه تنظیم کلیات برنامه بود که آخرین احتمال تنظیم این مرحله از برنامه براساس سه محور «نفس تحقیق، لازمه اول تحقیق، لازمه دوم تحقیق» بود. در ادامه پیرامون این سه محور و نحوه تنظیم برنامه هر قسمت مطالبی ارائه گردیده است.

البته قبل از پرداختن به اصل مطلب ابتدا تفاوت‌های تحقیق فردی و سازمانی بیان می‌گردد.

#### ۱- تفاوت تحقیق فردی و سازمانی

الف) در تحقیقات فردی لازم است شخص محقق تخصص کافی داشته باشد ولی در تحقیقات سازمانی این روش است که سنگینی تحقیقات را مشخص می‌کند.

ب) در تحقیقات فردی، شخص محقق با ادراکها و تخمینهای خودش کلیه مراحل تحقیق را جلو می‌برد ولی در تحقیقات سازمانی این برنامه است که تمامی مقدمات زمانی و مالی را متناسب با نفس تحقیق محاسبه می‌کند.

ج) در تحقیقات فردی محدودیت زمانی مطرح نمی‌باشد ولی در تحقیقات سازمانی محدودیت زمانی مطرح است.

د) در تحقیقات فردی کاربردی و کارفرما و بالطبع برنامه‌ای مورد توافق ایندو مطرح نمی‌باشد ولی در تحقیقات سازمانی لازم است به منظور هماهنگی انتظارات طرفین قرارداد برنامه‌ای تنظیم گردد و از طرف کاربردی از برنامه دفاع شود.

۲- بررسی «نفس تحقیق، لازمه اول تحقیق، لازمه دوم تحقیق» به عنوان احتمالی در تنظیم کلیات برنامه

آخرین احتمال در نحوه تنظیم کلیات برنامه این شد که در کلیات برنامه می‌بایست در سه محور فوق‌الذکر تمامی مراحل تحقق تحقیق ذکر گردد.

بیان کردید که منظور از لازمه اول و دوم تحقیق، نرم افزارها و سخت افزارهای لازم در تحقق تحقیق می‌باشد و به تعبیر رساتر ابزارهای تحقیق و مقدمات تحقیقی است.

حال اگر بخواهیم به خوبی روند برنامه مشخص گردد باید در این سه محور فعل، موضوع و هدف مشخص گردد که بالطبع از ضرب این دو دسته اوصاف در یکدیگر جدول ماتریسی با ۹ وصف ترکیبی بدست آید و براساس آن می‌توان ضوابط کلیات برنامه را مشخص کرد.

قبل از بررسی تفصیلی این جدول ماتریسی لازم است ابتدا توضیحاتی پیرامون تک تک از این محورها ارائه گردد.

۲/۱- نفس تحقیق بیانگر موضوعی که حد آن تغییر می‌کند

نفس تحقیق به تغییر و توسعه حد مفهومی موضوعی اطلاق می‌گردد که مورد سفارش کارفرما می‌باشد و این تغییر و توسعه حد مفهومی موضوع توسط ابزارهای ضرورت می‌گیرد و فهرست به عنوان اولین ابزار تحقق چنین تغییری می‌باشد. لذا به خود فهرست، نفس تحقیق اطلاق نمی‌گردد بلکه لازمه اول تحقیق فهرست‌نویسی می‌باشد و هدف از فهرست هم تحقق تغییر مفهومی است.

در تبیین نفس تحقیق می‌توان از ۹ وصف گذشته (تألیف، تصنیف، تأسیس...) استفاده کرد و همین اوصاف هم می‌توانند در مرحله بعد در تعیین خوبی و بدی فهرست ملاک قرار گیرند. البته باید توجه داشت که در صورت اشراف کارفرما بر کار، کلیات برنامه را می‌توان محدود به تبیین نفس تحقیق توسط کاربر کرد و بقیه امور در برنامه تفصیلی بیان گردد.

## ۲/۲ - کلیات فهرست بیانگر لازمه اول تحقیق

آنچنانکه بیان شد برای تحقق نفس تحقیق و نشان دادن تغییر مفهومی موضوع لازم است فهرستی از موضوعات مرتبط با موضوع تحقیق تهیه گردد که هدف از تنظیم این فهرست هم در آخر نشان دادن نحوه تغییر مفهومی خود موضوع می‌باشد. با توجه به این خصوصیت مشخص می‌گردد که موضوع و مفهوم مورد تغییر در فهرست با موضوعاتی که برای رسیدن به هدف به کار می‌روند متفاوت می‌باشد.

بنابراین فهرست بیانگر و معرف فعل، موضوع و هدف در عملیات تحقیق می‌باشد ولی نفس فهرست تنها ابزار تغییر مفهومی موضوع مورد تحقیق می‌باشد.

تنظیم فهرست خود بدو صورت کلی و تفصیلی می‌تواند صورت بگیرد که در کلیات برنامه به جهت ناظر بودن فهرست به تغییرات مفهومی موضوع اولاً: لازم است فهرست به صورت صفت و موصوفی تنظیم گردد برخلاف فهرست تفصیلی که لازم است در آنجا به صورت مضاف و مضاف‌الیه باشد و ثانیاً: در تنظیم فهرست باید تبعیت از مبنای سه صورت بگیرد و لذا حداقل سرفصلهای فهرست در کلیات برنامه باید سه سرفصل کلی باشد، اما در فهرست تفصیلی به جهت زیاد بودن سرفصلهای فهرست لزومی ندارد که در تنظیم آن از مبنای سه تبعیت شود.

نکته دیگر در تنظیم فهرست، لزوم توجه به ارتکازات عمومی در تنظیم فهرست می‌باشد.

## ۲/۳ - مقدمات تحقیق بیانگر لازمه دوم تحقیق

بررسی تمامی مقدمات تحقیق اعم از نرم‌افزارهای تحقیق و ابزارهای تحقیقاتی و سخت‌افزارهای تحقیق در لازمه دوم صورت می‌گیرد.

بررسی معنا و ضوابط ارزیابی «نقش تحقیق» و «نرم افزار تحقیق»

مقدمه

آخرین احتمال در تنظیم کلیات برنامه، اساس قرار گرفتن سه محور «نفس تحقیق»، لازمه اول تحقیق (نرم افزارها)، لازمه دوم تحقیق (سخت افزارها) در تنظیم ضوابط بود. در ادامه ابتدا معنا و ضوابط نفس تحقیق بیان می‌گردد و سپس در ضوابط اجمالی و تفصیلی ارزیابی نفس تحقیق بررسی می‌شود و در آخر مبنا و موارد «نرم افزار تحقیق» اجمالاً بیان می‌گردد. قبل از وارد شدن به متن بحث باید به دو نکته توجه داشت، اولاً: در تنظیم ضوابط، نباید بین سطوح تحقیقات (تحقیقات نظری، کتابخانه‌ای و کاربردی) خلط کرد و البته باید روابط این تحقیقات در نظر گرفته شود. ثانیاً: سه محور پیشنهادی در تحقیقات کتابخانه‌ای متناظر با سه وصف زمان، مکان، و کارایی می‌باشند و لذا در شرح و تقسیمات هر محور باید تناسب با اوصاف زمانی، مکانی و کارایی مد نظر قرار گیرد.

۱- بررسی معنای نفس تحقیق

در نفس تحقیق با استفاده و مقایسه آراء و نظرات گذشته نسبت به «موضوع تحقیق»، تغییرات حد مفهومی موضوع و کم یا زیاد بودن آن بررسی می‌گردد. لذا کار مقدماتی لازم در انجام نفس تحقیق تهیه فیش‌های اطلاعاتی نسبت به آراء و نظرات مطرح شده پیرامون موضوع تحقیق می‌باشد.

پس از تهیه فیش‌های اطلاعاتی اولین گام در نفس تحقیق طبقه‌بندی فیش‌های اطلاعاتی می‌باشد و این اولین کار کیفی است. در این جا است که کارایی مباحث مطرح شد در اثبات

نسبت در موضوع مورد نظر بدست می‌آید.

نکته دیگر اینکه در تحقیقات کتابخانه‌ای اگرچه تطرق احتمالات فعل اصلی نمی‌باشد ولی باید توجه داشت که در تمامی افعال تحقیقاتی «گمانه، گزینش، پردازش» صورت می‌گیرد و حتی کسی هم که فیش اطلاعاتی تهیه می‌کند به نحوی گمانه‌زنی، گزینش و پردازش نسبت به جداکردن اطلاعات از منابع می‌کند. بنابراین اینگونه نیست که تنها تحقیق نظری این افعال صورت بگیرد بلکه در تمامی تحقیقات در منزلت‌های مختلف این افعال انجام می‌شود.

### ۲- ضوابط تفصیلی ارزیابی نفس تحقیق

پس از مشخص شدن معنای نفس تحقیق، با توجه با قاعده فعل، موضوع، هدف، می‌بایست ضوابط این سه محور در نفس تحقیق بیان گردد که قبل از این ضوابط لازم است ابتدا اوصاف زیربنائی این ضوابط مشخص شود.

موضوع تحقیق: بررسی موضوع تحقیق در دو محور توصیف موضوع تحقیق و جایگاه موضوعی آن صورت می‌گیرد. توصیف موضوع تحقیق به وسیله ۹ وصف گذشته «تألیف، تصنیف، تأسیس»، «مواد، مساله، مبنا»، «نقد، نقض، طرح» صورت می‌گیرد که همین اوصاف هم معیار تشخیص خوبی و بدی تحقیق می‌باشند.

بررسی تفصیلی جایگاه موضوعی نفس تحقیق به وسیله ۹ وصف «مبادی، مبانی، نتایج»، «ثبوت، اثبات، آثار»، «نسبت، استناد، تناسب» صورت می‌گیرد.

هدف تحقیق: بررسی تفصیلی هدف در نفس تحقیق به وسیله ۹ وصف «موجود، مطلوب، انتقال»، «درون، بیرون، ارتباط»، «پیدایش، تغییرات، تکامل» صورت می‌گیرد.

البته باید توجه داشت که این اوصاف و بالتبع ضوابط تنظیمی مبتنی بر این اوصاف را به دلیل گستردگی آن نمی‌توان به عنوان ضوابط کار پژوهشی محقق قرار داد بلکه کاربری این ضوابط مربوط به مرکز مدیریت پژوهشها می‌باشد که وظیفه آن هماهنگی و هدایت پژوهشها است.

### ۳- ضوابط اجمالی نفس تحقیق

با توجه به معضل بودن اوصاف و ضوابط تفصیلی بند قبل می‌توان اوصاف و ضوابط

اجمالی دیگری را پیشنهاد داد که آنها معیار هماهنگی کاربرپذیر و کارفرما باشند. نسبت به این اوصاف اجمالی و اساس قرار گرفتن آنها برای تنظیم ضوابط اجمالی دو احتمال مطرح است:

**احتمال اول:** «گمانه، گزینش، پردازش» به عنوان اوصاف فعل تحقیق «نقد، نقض، طرح» به عنوان موضوع تحقیق و «موجود، مطلوب، انتقال» به عنوان هدف تحقیق می‌باشند.

**احتمال دوم:** احتمال دیگر اینست که برای هر یک از محورهای فعل، موضوع، هدف تنها یک وصف ترکیبی ذکر کنیم مثلاً برای توصیف فعل، اصطلاح گمانه گزینشی پردازشی و برای توصیف موضوع اصطلاح نقد تألیفی مواد ذکر گردد.

#### ۴- بررسی معنا و موارد نرم افزار تحقیق

محور دوم در تحقیق، نرم افزارهای تحقیق می‌باشد که اوصاف نفس تحقیق ابزار اوزیابی نرم افزارهای تحقیق می‌باشد.

نرم افزارهای تحقیق ابزاری هستند که مستقیماً با نفس تحقیق در ارتباط هستند. فهرست و روش دو نرم افزار اصلی در تحقیق می‌باشند.

منظور از روش در اینجا روش موضوع پژوهش نیست مثل روش حاکم بر اصول، بلکه منظور روش استخراج آراء و نظرات گذشتگان پیرامون موضوع تحقیق می‌باشد.

با توجه به این مطلب روش در سه سطح حضور دارد ۱- روش به عنوان موضوع پژوهش در تحقیقات کتابخانه‌ای ۲- روش تشخیص خوبی و بدی فهرست ۳- روش اجرایی در تحقیقات کتابخانه‌ای

از این سه سطح از روش حداقل روش اجرایی در تحقیقات کتابخانه‌ای لازم است و حداکثر باید روش تشخیص خوبی و بدی فهرست هم بدست آورد. همچنین باید توجه داشت که در تنظیم فهرست باید فعل، موضوع، هدف مشخص گردد که قدر متیقن اینست که هدف از استفاده روش در تطبیق و اجرا، تحقق فهرست است، یعنی تحقق فهرست هدف می‌باشد.

خلاصه بحث

## روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

جلسه ۱۵

تاریخ جلسه: ۷۸/۰۵/۲۶

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

### طرح پنج احتمال پیرامون ضابطه تنظیم کلیات برنامه

#### مقدمه

بحث پیرامون نحوه تنظیم کلیات برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای بود و احتمالات متعددی پیرامون نحوه تنظیم آن مطرح گردید که تمامی احتمالات بر محور تنظیم فعل، موضوع، هدف در برنامه تحقیق دور می‌زد. در ادامه پنج احتمال دیگر نسبت به محورهای اصلی کلیات برنامه طرح گردید که از میان تمامی احتمالات احتمال دوم بیشتر از دیگر احتمالات تقویت گردید. احتمال ۱: فهرست (شاخصه موضوع)، افعال محقق فهرست (شاخصه فعل)، تحقق فهرست (شاخصه هدف)

نقطه قوت این احتمال، خلاصه بودن آن است هرچند احتمال مناسبی نباشد. خلاصه بودن به این معنا که می‌توان در ابتدا که کار وسعت پیدا نکرده براساس این احتمال هماهنگی طرحهای تحقیقاتی را صورت داد. اما نقطه ضعف این احتمال اینست که در صورت بزرگ شدن وسعت پیدا کردن کار این احتمال قادر به هماهنگی نمی‌باشد زیرا ابهام دارد.

ابهام این احتمال اینست که اولاً فهرست هم به عنوان شاخصه موضوع و هم هدف بکار گرفته شده است و حال آنکه هدف از برنامه تحقق فهرست نیست بلکه تخصیص مقدرات هدف برنامه است. ثانیاً: خود تنظیم فهرست در این احتمال به عنوان یک فعل مد نظر قرار گرفته شده است. ثالثاً: بنابر این احتمال مفهوم نسبی می‌شود یعنی فهرست هم در موضوع و هم در هدف آمده است و از آن دو معنا اراده گردیده است اما تفاوت ایندو معنا و جایگاه تخصیصی آنها معلوم نشده است.

### احتمال ۲: «فهرست، الگوی تخصیص، تخصیص»

بر اساس این احتمال تنظیم نسبت بین موضوعات (فهرست) شاخصه موضوع و روش چگونگی تخصیص مقدورات به فهرست، (الگوی تخصیص) شاخصه فعل و تخصیص مقدورات به فهرست شاخصه هدف در تنظیم برنامه می‌باشد.

نقطه قوت این احتمال اینست که برای هر یک از محررها فعل، موضوع و هدف در برنامه شاخصه‌هایی جداگانه ارائه گردیده و هدف هم در این احتمال همخوانی بیشتری با برنامه دارد چراکه وظیفه اصلی برنامه تخصیص مقدورات به افعال می‌باشد.

البته شاید اشکال شود که در این احتمال ذکری از افعال به میان نیامده است و حال آنکه در برنامه باید افعال موازی، متوالی مشخص گردد.

با ذکر یک نکته پاسخ به این اشکال مشخص می‌شود. در فهرست تغییرات موضوع مورد تحقیق مشخص می‌گردد و پس از مشخص شدن تغییرات دیگر نیازی به ذکر افعال محقق این تغییرات نمی‌باشد زیرا که فعل به عنوان واسطه انجام تغییرات به وسیله مقدورات می‌باشد و در حقیقت تنظیم افعال مناصب هماهنگ با این افعال کاری است که باید در سازماندهی صورت بگیرد و نه در تنظیم برنامه. به عبارت دیگر در برنامه تنها به روند کار، کاربرپذیر توجه می‌شود و نوع سازمانش به خود او واگذار می‌شود و کارفرما کاری ندارد که سازمانش بزرگ یا کوچک است و تنها به محصول کار دارد. در حقیقت کارفرما کنترل کیفی برنامه (نه کنترل کیفی سازماندهی) را می‌خواهد و لذا در برنامه صحبتی از فعل نمی‌شود و بلکه تنها صحبت از تغییرات است.

البته بنا بر یک احتمال می‌توان خود فعل را هم می‌توان جزو مقدراتی قرار داد که توسط الگوی تخصیص - جهت تحقق تغییرات - تخصیص داده می‌شوند.

### احتمال ۳: «فهرست، تخصیص مقدورات، تدوین»

تفاوت این احتمال با احتمال قبل تنها در اینست که «تهیه الگوی تخصیص» خارج از برنامه قرار گرفته است و خود تخصیص مقدورات به عنوان شاخصه فعل و تدوین و تحقق فهرست به عنوان هدف برنامه ذکر گردیده است.



احتمال ۴: «تنظیم فهرست، فهرست، تخصیص مقدرات»

تفاوت این احتمال با احتمالات گذشته در اینست که این سه شاخصه بعنوان شاخصه‌های خوبی و بدی خود برنامه می‌باشند و با شاخصه‌های تنظیم برنامه تفاوت دارند. به عبارت دیگر این تقسیمات درونی هستند و برای برنامه باید این سه کار انجام شود و توسط همین شاخصه‌ها هم برنامه کنترل می‌شود اما خود برنامه فعل و موضوع و هدف دیگری دارد. در تایید این مطلب اینکه در این احتمال دیگر از خود روش دستیابی به فهرست یا روش تخصیص ذکری به میان نیامده و این مطلب نشانگر اینست که این تقسیم برای خود برنامه نیست چرا که بحث پیرامون این روشها در خود برنامه صورت می‌گیرد.

احتمال ۵: «تنظیم فهرست، تخصیص افعال، تخصیص مقدرات»

بر اساس این احتمال ابتدا موضوع برنامه، تغییرات موضوع مورد تحقیق است که فهرست آینه این تغییرات می‌باشد. سپس برای تنظیم و تحقق فهرست (تنظیم نقشه تا اجراء) افعال موازی و متوالی مشخص می‌گردد و در آخر تخصیص مقدرات به افعال صورت می‌گیرد. در آخر ذکر این نکته لازم است که شاخصه‌های تنظیم برنامه را هم می‌توان به صورت مضاف و مضاف‌الیه و هم صفت و موصوف ذکر کرد.

امتیاز و عیب ایندو شیوه نسبت به یکدیگر اینست که اگر بصورت مضاف و مضاف‌الیه ذکر شوند، امتیازش اینست که ابهام کمتری پیدا می‌کنند و به عینیت نزدیکتر می‌شوند بخلاف صفت و موصوف که فاصله زیادی با عینیت دارند اما عیب مضاف و مضاف‌الیه در اینست که اگر اصطلاحات بصورت مضاف و مضاف‌الیه ذکر شوند اولاً نمی‌توانند در یکدیگر ضرب شوند و ثانیاً: در صورت جدا شدن محورها از یکدیگر باید برای هر یک از آنها تقسیمات دیگری ذکر کرد که در اینصورت ارتباط قسیم‌ها با یکدیگر مشخص نمی‌گردد، اما در صورتی که بصورت صفت و موصوف ذکر شوند براحتی در یکدیگر ضرب می‌شوند و ارتباط و انعکاس مفاهیم و اصطلاحات در یکدیگر بخوبی مشخص می‌گردد.

## روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

جلسه ۱۶

تاریخ جلسه: ۷۸/۰۵/۲۷

حجة الاسلام والمسلمین حسین

تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

۱- فهرست، الگوی تخصیص، تخصیص، ضوابط تنظیم کلیات برنامه

۲- چگونگی تنظیم فهرست در تحقیق کتابخانه‌ای

### مقدمه

بیرامون نحوه تنظیم کلیات برنامه احتمالات متعددی مطرح گردید و آخرین احتمال تنظیم برنامه در سه محور «فهرست، الگوی تخصیص، تخصیص» بود. در ادامه ابتدا احتمال دیگری مطرح می‌شود و سپس با تقویت احتمال فوق‌الذکر، ضوابط تنظیم اولین محور آن (یعنی فهرست) بررسی می‌گردد.

#### ۱- بررسی دو احتمال در نحوه تنظیم کلیات برنامه

در نحوه تنظیم فعل، موضوع، هدف در کلیات برنامه دو احتمال زیر مطرح است که احتمال دوم - همچنانکه قبلاً هم بیان شد - تقویت گردید.

#### احتمال اول: افعال محقق ساختار، ساختار (فهرست)، تخصیص

این احتمال هرچند در بدو امر با ارتکازات عمومی سازگارتر می‌باشد ولی با کمی دقت مشخص می‌شود که اولاً: فهرست موضوع نمی‌باشد بلکه تنظیم فهرست بیانگر تغییر در حد مفهومی موضوع مورد تحقیق است و لذا یا توجه به این ویژگی می‌توان تنظیم فهرست را به‌عنوان فعل معرفی کرد. ثانیاً: منظور از افعال محقق فهرست، افعالی می‌باشند که موجب تغییرات حد موضوع مورد تحقیق می‌باشد و لذا این افعال جزو مقدرات تغییر می‌باشند و در بخش تخصیص مقدرات قابلیت طرح پیدا می‌کنند.

احتمال دوم: «الگوی تطبیق (فهرست)، الگوی تخصیص، تخصیص»

براساس این احتمال: «فعل»، روند افعال متغیر حدود مفهومی موضوع تحقیق، «موضوع» الگوی تخصیص مقدرات به روند و «هدف» برنامه تخصیص مقدرات می‌باشد. این احتمال هماهنگی بیشتری نسبت به احتمالات دیگر در تشریح فعل، موضوع و هدف برنامه دارد. همچنین براساس این احتمال در تمامی افعالی که در برنامه انجام می‌گیرد این سه مؤلفه قابلیت تکرار دارند.

۲ - تنظیم ضوابط تفصیلی فعل، موضوع، هدف در برنامه با توجه به اوصاف جدول کاربرگ

برای تنظیم ضوابط تفصیلی فعل، موضوع هدف می‌توان از اوصاف سه بخش پایگاه ارزیابی، جایگاه موضوعی و خاستگاه منطقی در جدول کاربرگ استفاده نمود.

در پایگاه ارزیابی منزلت فاعلیت شی مشخص می‌گردد و لذا اوصاف پایگاه ارزیابی بیانگر منزلت اوصاف فعل و فاعلیت شی می‌باشد و براساس این اوصاف نحوه توسعه فعل و کارآمدی شی مشخص می‌گردد. مثلاً در قدیم با افعال خاصی مهاجم به مرزهای فرهنگی دفع می‌شد و امروز با افعال خاص دیگری باید با مهاجم برخورد کرد.

در جایگاه موضوعی، مکان و جایگاه و نسبت‌های شی با اشیاء دیگر مشخص می‌گردد و لذا می‌توان از اوصاف بیانگر جایگاه موضوعی شی در تنظیم اوصاف موضوع در تحقیقات کتابخانه‌ای استفاده نمود. مثلاً با استفاده از اوصاف می‌توان مسائل کفایه را دسته‌بندی کرد یا با اوصاف نقد، نقض و طرح مطالب اصلی کفایه را از مطالب فرعی و تبعی جدا کرد.

بنابراین با اوصاف جدول کاربرگ در سه بخش فوق می‌توان ضوابط تفصیلی کلیات برنامه را در سه محور فعل، موضوع و هدف تنظیم کرد.

البته اوصاف این سه بخش برای ارزیابی خوبی یا بدی فهرست هم کارآمدی دارند و می‌توانند معیار این ارزیابی قرار گیرند. مثلاً فهرستی خوب است که به ترتیب نقد و نقض و طرح را در موضوع تحقیق مطرح کند.

### ۳- چگونگی تنظیم فهرست در تحقیقات کتابخانه‌ای

اولین محور در تنظیم کلیات برنامه تنظیم فهرست می‌باشد که این تنظیم می‌بایست براساس ضابطه‌ای مشخص صورت گیرد.

قبل از بررسی نحوه تنظیم فهرست باید به دو نکته توجه داشت.

اولاً، فهرست بیانگر روند تغییرات حدود مفهومی موضوع تحقیق است و لذا فهرست می‌بایست مطابق با سفارش کارفرما تنظیم گردد و به هر مقدار که جزئیات تقاضای سفارش دهنده مشخص باشد به همان نسبت تنظیم فهرست ساده‌تر می‌شود. البته حداقل کار لازم اینست که سفارش دهنده شاملترین طبقه‌بندی موضوع مورد سفارش را به کارپذیر ارایه دهد و مشخص کند که در هر بخش چه انتظاراتی دارد.

ثانیاً: در تنظیم فهرست نیازمند دو دسته ضابطه و معیار می‌باشیم که براساس یک دسته از ضوابط چگونگی تنظیم فهرست و بر اساس دسته دوم خوبی و بدی فهرست مشخص می‌گردد. بر این اساس ضوابط ارزیابی اثر فهرست، به‌عنوان معیار خوبی و بدی فهرست و ضوابط نحوه تنظیم تغییرات حدود و مسائل علم، ناظر به چگونگی تنظیم فهرست می‌باشد. با توجه به این دو نکته تنها به دو ضابطه در نحوه تنظیم فهرست اشاره می‌گردد.

۱- در تنظیم فهرست می‌بایست ابتدا تمامی مسائل لازم برای تغییر حد مفهومی موضوع و بالطبع تمامی موضوعات لازم برای بررسی مسائل معین گردد که میزان کار در این قسمت متناسب با میزان تغییری است که بنا بر سفارش کارفرما باید در موضوع تحقیق صورت بگیرد.

۲- پس از تعیین مسائل و موضوعات باید اندراج مطالب در یکدیگر صورت بگیرد و این اندراج باید بگونه‌ای باشد که تمامی مسائل بازگشت به یک مسئله کنند که همان مسئله مورد نظر کارفرما می‌باشد. به عبارت دیگر همه صفری و کبرهاها باید بازگشت به یک صفری و کبری کنند.

البته این نظام اندراج نسبت به موضوعات - که به صورت مضاف و مضاف‌الیه می‌باشد - مطرح می‌باشد و خود این نظام اندراج محقق‌کننده نظام اوصاف است.

همچنین نظام اوصاف بیانگر تغییرات موضوع برای رسیدن به اثر مورد نظر می باشد که وحدت نظام اوصاف و نظام اندراج وسیله‌ای برای ملاحظه تناسب این دو نظام در فهرست می باشد.

به عبارت دیگر نظام اوصاف در آثار و لوازم و نظام اندراج در صغریات و کبریات شکل می گیرد و وسیله ملاحظه تناسب نظام اوصاف و نظام اندراج تبدیل شدن هر دو به وحدت است.

« والسلام »

خلاصه بحث

## روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

جلسه ۱۷

تاریخ جلسه: ۷۸/۰۵/۲۷

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

### تأثیر محیط در تنظیم فهرست تحقیقات کتابخانه‌ای

#### مقدمه

پس از بررسی احتمالات متعدد در نحوه تنظیم کلیات برنامه، آخرین احتمال مورد توافق، تنظیم برنامه در سه محور «فهرست، الگوی تخصیص، تخصیص» می‌باشد. سپس بحث در محور اول نسبت به کیفیت تنظیم فهرست آغاز گشته و نسبت به نحوه تنظیم فهرست هم مطالبی ارایه گردید.

۱- بررسی وحدت یا تعدد «معیار خوبی یا بدی» و «معیار تعیین موضوع» در فهرست اولین سؤال در تنظیم فهرست اینست که آیا برای تنظیم فهرست، نیازمند به دو دسته ضوابط هستیم که یک دسته از آنها معیار تشخیص خوبی یا بدی فهرست و دسته دیگر معیار چگونگی تنظیم موضوعات و ساختار فهرست می‌باشد؟ ...  
نسبت به پاسخ این دو سؤال دو احتمال مطرح است:

**احتمال اول:** ما نیازمند به دو دسته ضابطه و معیار هستیم که براساس یک دسته از ضوابط نحوه انجام منطقی فهرست و براساس دسته دیگر از ضوابط نحوه جمع‌آوری موضوعات و جامعیت آنها بررسی می‌گردد. به عبارت دیگر در تنظیم فهرست دو کار باید صورت بگیرد اولاً: تمامی موضوعات مرتبط با موضوع جمع‌آوری شود ثانیاً: پس از جمع‌آوری موضوعات مرتبط با موضوع، نظمی منطقی به آنها داده شود تا شکلی ساختاری پیدا کنند؛ بالطبع برای تحقق این دو کار نیازمند به دوگونه ضابطه هستیم و همین دوگونه ضابطه هم معیار تشخیص خوبی و بدی و جامعیت موضوعات می‌باشند.

حد مفهومی شرط ثمربخشی و بالطبع معیار ارزیابی فهرست تنظیمی می‌باشد.

با توجه به این تحلیل اولاً، نتیجه فهرست باید تحقق دستاورد جدیدی در آن علم باشد نه فرو بردن خواننده به جهل از طریق آرایش جدید مطالب گذشته ثانیاً، فعل فهرست در تحقیقات کتابخانه‌ای، کاری پژوهشی می‌باشد و از حیثه تحقیقات کتابخانه‌ای خارج است و لذا باید ولو کلیات فهرست توسط کارفرما به کارپذیر ارایه شود. ثالثاً، بیشتر تحقیقات کتابخانه‌ای موجود، کاری تحقیقی نیستند و تنها تهیه متون آموزش و تبلیغی می‌باشد چرا که این تحقیقات تنها به گردآوری و تنظیم هنری بسنده می‌کنند و هیچگونه تغییر مفهومی در حد موضوع ایجاد نمی‌کنند. به بیان دیگر اگر تحقیقات کتابخانه‌ای هیچ نحوه کارآمدی جدید در حل نیازمندیهای جامعه نداشته باشد، تحقیق نیست.

با توجه به این نکته متون آموزشی و تبلیغی، هیچگاه متون تحقیقاتی نمی‌باشند زیرا هیچگونه تغییر حد مفهومی در آنها صورت نمی‌گیرد و شاهد بر این ادعا اینکه اینگونه متون آموزشی و تبلیغی برای اهل فن در هر علم قابل استفاده نمی‌باشد زیرا حرف جدیدی در آنها ارایه نشده است و مبدأ تأمل جدیدی برای اهل فن نمی‌باشد و تنها کاری هنری روی مطلب گذشتگان صورت گرفته است.

البته باید توجه داشت که نفس آموزش و تبلیغ می‌توانند موضوع پژوهش قرار گیرند به این معنا که در روشهای آموزش و تبلیغ متناسب با نیازمندیهای جامعه تغییر صورت بگیرد ولی با اینحال چنین تحقیقاتی هیچگاه به معنای تحقیقات کتابخانه‌ای - که وظیفه اش تغییر در حد مفهومی موضوع است - نمی‌باشد.

#### ۱/۱ - ارضاء نیاز مبنائاً و بنائاً معیار ارزیابی خوبی یا بدی فهرست

با توجه به نفس فهرست در تحقیقات کتابخانه‌ای مشخص گردید که کار فهرست تغییر حد مفهومی موضوع متناسب با نیازمندیهای جامعه می‌باشد لذا فهرستی مطلوب است که اولاً مبنای جدید را در جهت تغییر حد مفهومی موضوع ایجاد کند و ثانیاً بتواند براساس این مبنا جدید، بناهای جدیدی را متناسب با رفع نیازمندیهای جدید جامعه تولید کند و به آموزش و تبلیغ آنها بپردازد. لذا ارضاء نیاز مبنائاً و بنائاً معیار ارزیابی خوبی یا بدی فهرست می‌باشد.

۲- نقش عوامل درونی و بیرونی موضوع در تنظیم فهرست

در فهرست عوامل درونی موضوع تحقیق به گونه‌ای تنظیم می‌شود که نتیجه‌اش ایجاد تأثیر بر محیط بیرونی می‌باشد. لذا تأثیر بر محیط اصل در تنظیم عوامل درونی موضوع تحقیق می‌باشد. به عبارت دیگر فهرست بیانگر ویژگیهای عوامل درونی موضوع می‌باشد که با توسعه این عوامل درونی - که همانا مسائل علم می‌باشند - کارآیی آن موضوع در تأثیر بر محیط بالاتر می‌رود.

حال توسعه مسائل یک موضوع یا یک علم همواره از طریق مراجعه به علم شاملتر صورت می‌گیرد چرا که علم مشمول بعنوان یکی از مسائل و جهات موضوع علم شامل می‌باشد و لذا هرگونه تغییر در موضع علم شامل تأثیر مستقیم در مسائل و جهات موضوع آن علم شامل - که همانا علوم مشمول هستند - دارد. مثلاً اگر بخواهیم در موضوع ولایت فقیه که موضوعی فقهی است توسعه مفهومی ایجاد کنیم باید ابتدا از علم کلام که علم شامل بر فقه می‌باشد شروع کرد. اگر در علم کلام اثبات شود که جریان عدل و ظلم موضوعاً منحصر در امور خرد و امور فردی نمی‌باشد ثمره این بحث در موضوع ولایت فقیه این خواهد شد که حوزه ولایت فقیه فراتر از ولایت بر امور خرد می‌باشد و تا آنجائی گسترده می‌شود که عدل و ظلم جریان دارد.

«والسلام»



۱ - محدوده تحقیق کتابخانه‌ای

۲ - خصوصیات لازم به تعیین توسط سفارش دهنده در تحقیقات کتابخانه‌ای

مقدمه

بحث پیرامون نحوه تنظیم کلیات برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای است که براساس آخرین احتمال مورد توافق ضوابط این برنامه در سه محور «فهرست، الگوی تخصیص، تخصیص» تنظیم می‌گردد. لذا بحث از محور اول آغاز گردید و در ابتدا نقش فهرست در تحقیقات کتابخانه‌ای بررسی گردید. در بررسی این مطلب لازم شد با بازگشت به مباحث اولیه جایگاه و محدوده تحقیقات کتابخانه‌ای مشخص گردد تا براساس آن نحوه تنظیم فهرست بدست آید. در این جلسه هم بحث پیرامون همین مطلب ادامه پیدا کرده است.

۱ - محدوده تحقیق کتابخانه‌ای

برای مشخص شدن محدوده تحقیق کتابخانه‌ای لازم است ابتدا تفاوت تحقیق با آموزش و تبلیغ مشخص گردد.

در تحقیق تغییر حد مفهومی موضوع متناسب با نیازمندیهای جامعه صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر با تکامل نیازمندیهای جامعه باید علوم متناسب با این تکامل، رشد کنند که رشد علوم گاه رشد کمی و گاه رشد کیفی می‌باشد. در مرحله‌ای از تکامل نیاز، رشد کمی علوم کفایت نمی‌کند یعنی نمی‌توان با مبنا و موضوعات گذشته پاسخگویی به نیازمندیها شد و بلکه باید حد مفهومی موضوع تغییر کند و توسعه‌ای در آن ایجاد شود تا کارآمدی در رفع نیاز جدید پیدا کند. اما در آموزش و تبلیغ هیچگاه نوآوری به این معنا صورت نمی‌گیرد و بلکه مطالب و

فرهنگ موجود به شکل‌های هنری تنظیم می‌شود و برای آموزش و تبلیغ آماده می‌شوند. با توجه به این تفاوت مشخص می‌گردد که اکثر تحقیقاتی که در کشور ما صورت می‌گیرد حقیقتاً تحقیق نمی‌باشند و تنها وانمود کردن به تحقیق است زیرا در عموم این تحقیقات نوآوری صورت نمی‌گیرد. بله تنها نوآوری در نوع آموزش و تبلیغ صورت می‌گیرد و این امر با نوآوری در تحقیق تفاوتی جدی دارد. توجه به این تفاوت (تفاوت تحقیق و تعلیق) زمینه تفاهم با محققین را فراهم می‌کند. بنابراین اگر جامعه فرهنگی ما نتواند تحقیق به معنای حقیقی را انجام دهد و توسعه نیازمندیهای را سرپرستی کند و تنها به تعلیق بسنده کند اولاً: هیچگاه زمینه تفاهم با محققین ایجاد نمی‌شود ثانیاً: اینکار به دست فرهنگی می‌افتد که ظرفیت چنین کاری را داشته باشند که در دنیای امروز چنین فرهنگ غالبی فرهنگ کفر است چرا که تغییر و توسعه عینیت هیچگاه تعطیل نمی‌شود.

لازمه چنین واگذاری توسعه ناهنجاری در کشور می‌باشد چرا که از یک طرف شعارها و انگیزه‌ها داعیه توسعه حکومت اسلامی را دارند و از طرف دیگر ابزارهای توسعه، ابزارهایی متناسب با حکومت الحادی می‌باشند و ناهمگونی ایندو باعث انفجار فرهنگی در جامعه می‌شود.

البته باید توجه داشت که روشهای آموزشی و تبلیغ خود می‌توانند بعنوان موضوع پژوهش قرار بگیرند بدین معنا که توسعه در روشهای آموزشی و تبلیغی متناسب با رشد فرهنگ جامعه صورت بگیرد ولی با اینحال باید توجه داشت که تحقیق در این سطح اولاً: متفاوت با تحقیقات پژوهشی می‌باشد به همان دلیلی که بیان شد ثانیاً: چنین تحقیقی فعلاً از موضوع بحث جاری خارج می‌باشد و البته باید در جای خود به تنظیم ضوابط آن پرداخت.

در آخر ذکر این نکته لازم است که هدف عمومی از کلیه تحقیقات کتابخانه‌ای توسعه مبنای علم می‌باشد.

## ۲- وظائف کارفرما در تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

در تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای کارفرما و کارپذیر هر یک وظیفه‌ای جداگانه دارند که در این قسمت به بخشی از وظائف کارفرما قبل از تنظیم برنامه توسط کارپذیر اشاره می‌گردد.

الف) ابتدا باید شاخصه‌ها و ضابطه‌هایی برای تغییر در اصل موضوع بعنوان وضعیت مطلوب سفارش از طرف سفارش‌دهنده به سفارش‌پذیر داده شود. سپس باید یک شاخصه‌هایی هم سفارش‌پذیر بدهد و در آخر یک شاخصه‌های هم باید ربط بین این دو دسته شاخصه را تعیین کند.

ب) باید هدف اجمالی توسط کارفرما تعیین شود، یعنی اگر موضوع کار تحقیقات کتابخانه‌ای تغییر حد مفهومی موضوع است باید کارفرما آخرین تغییر مفهومی موضوع را برای کارپذیر اجمالاً تشریح کند تا کارپذیر بداند برنامه‌اش را براساس چه هدفی تنظیم کند. مثلاً کارفرما بگوید هدف من در علم اصول توسعه در مبنای حجیت است.

ج) در مرحله بعد باید کارپذیر مراحل تغییر برای رسیدن به هدف را بیان کند، یعنی فهرست نظام‌مند را به کارپذیر ارائه دهد تا آن فهرست بعنوان نقشه کار برای کارپذیر قرار گیرد. به عبارت دیگر کارفرما باید متغیرهای مفهومی موضوع و تناسبهای آنها را نشان بدهد مثلاً در علم اصول مشخص کند که پیشگونی، هدایت و کنترل اجتهاد کار علم اصول است و باید علم اصول در سایه این سه عمل تکامل اجتهاد را متناسب با تکامل عینیت سرپرستی کند.

د) علاوه بر دو مورد فوق، لازم است کارفرما شاخصه‌ها تشریح هدف را هم تعیین کند. یعنی اولاً باید هدف اجمالی را بیان کند ثانیاً: شاخصه‌ها و عوامل تشریح هدف را ذکر کند ثالثاً: باید معین کند که در چند مرحله این اهداف قابل دستیابی هستند.

«والسلام»

## ضوابط اجمالی تنظیم فهرست و خارج شدن آن از تحقیق کتابخانه‌ای

### مقدمه

بحث پیرامون نحوه تنظیم ضوابط اولین محور از کلیات برنامه (فهرست، الگوری تخصیص، تخصیص) بود که پس از بررسی مشخص گردید که تنظیم فهرست خود کاری پژوهشی می‌باشد چرا که تحقیقات کتابخانه‌ای در قدم قبل خود کاری پژوهشی است. که موضوعاً با آموزش و تبلیغ متفاوت می‌باشد.

در ادامه با بررسی دوباره این موضوع (پژوهشی بودن تنظیم فهرست) اثبات می‌گردد که این محور از کار تحقیقات کتابخانه‌ای خارج می‌باشد و از نوع پژوهش نظری است که باید توسط کارفرما به کاربر ارایه شود. سپس نسبت به کیفیت تنظیم فهرست مطالبی ارایه گردید.

### ۱- پژوهشی بودن تنظیم فهرست

بیان گردید که حداقل در تحقیقات کتابخانه‌ای مورد نظر ما تغییر حد مفهومی موضوع صورت می‌گیرد و مبتنی بر ارتکازات موجود، فرهنگ جدید تولید شده (در پژوهش نظری) متناسب با نیازمندیهای جامعه به فرهنگ جامعه منتقل می‌گردد. به عبارت دیگر تحقیقات کتابخانه‌ای پلی میان فرهنگ موجود و فرهنگ جدید می‌باشد و نقش فهرست در چنین تحقیقاتی ارائه ساختار موضوعی است که تغییر حد مفهومی تا رسیدن به وضعیت مطلوب به وسیله آن تحقق پیدا می‌کند. لذا تنظیم چنین فهرستی می‌بایست قبل از انعقاد قرارداد با کاربر صورت بگیرد و هنگام قرارداد کارفرما چنین فهرستی را به کاربر ارائه دهد و وظیفه کاربر هم تحقق چنین فهرستی می‌باشد. بنابراین با توجه به محورهای پیشنهادی در تنظیم کلیات

برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای (فهرست، الگوی تخصیص، تخصیص) مشخص می‌گردد که محور اول از این گردونه خارج می‌شود و کلیات برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای باید تنها در دو محور الگوی تخصیص و تخصیص صورت بگیرد. به عبارت دیگر کاربری تنها مجری تحقق فهرست می‌باشد و البته در نحوه اجرا آزاد است و از میان کاربری‌ها، کاربری انتخاب می‌شود که بهترین برنامه اجرایی تحقق فهرست را ارائه داده باشد.

البته اینکه گفته می‌شود تنظیم فهرست از محورهای کار تحقیقات کتابخانه‌ای نیست منظور اینست که تنظیم فهرست موضوعاً خود کاری پژوهشی است که می‌توان نسبت به خود تنظیم همین فهرست هم قراردادی کارفرما با کاربری‌ها در این سطح امضا کند.

با توجه به این تحلیل آنچه ما بدنبال تنظیم آن در این قسمت هستیم تعیین موضوع، فعل، هدف در کلیات برنامه تحقق فهرست می‌باشد.

## ۲ - کیفیت تنظیم فهرست

پس از مشخص شدن این مطلب که تنظیم فهرست موضوعاً کاری پژوهشی است و می‌بایست برای تنظیم آن قراردادی جداگانه تنظیم گردد در اینجا بعضی از ضوابط تنظیم فهرست اشاره می‌شود.

الف) در تهیه فهرست نسبت به تغییرات مفهومی موضوع ابتدا باید تغییرات درونی و بیرونی موضوع مشخص گردد.

ب) برای تعیین تغییرات درونی موضوع یا یک علم ابتدا نیازهای خارج و خلاءهای موجود در جامعه ملاحظه می‌شود و سپس اثبات ناکارآمدی مسائل آن علم در حل نیاز می‌شود. سپس با رجوع به علم شامل و مقسم‌های آن نقد و نقص و طرح نسبت به علم مشمول صورت می‌گیرد و توسعه در علم مشمول و مسائل آن صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر یک علم شامل چند علم مشمول دارد که علم مشمول در حکم مسائل علم شامل هستند که روی هم یک وحدت و کل را جهت اثبات یک هدف تشکیل می‌دهند. حال اگر بخواهد در یک علم مشمول توسعه صورت بگیرد این توسعه از طریق علم شامل و تقسیم‌های علم مشمول صورت می‌گیرد. به عنوان مثال برای تغییر حد مفهومی موضوع ولایت فقیه و توسعه در موضوع آن، می‌توان با

رجوع به علم کلام و مسائل آن من جمله بحث عدالت این توسعه مفهومی را ایجاد کرد به اینکه اثبات کنیم که در اجتماع امروزی عدل و ظلم تنها در امور فردی تحقق پذیر نمی باشد و بلکه بیشترین و بزرگترین عدل و ظلم ها در تنظیم ساختارهای اجتماعی اداره نظام می باشد و لذا باید حوادث اجتماعی مدیریت شود تا ظلمی صورت نگیرد و لذا نیازمندی به ولایت و مدیریت در این سطح به طریق اولی بیشتر از ولایت در امور فردی می باشد.

بنابراین ضرورت توسعه و تغییرات درونی در علم مشمول از دو راه صورت می گیرد یکی نیازهای اجتماعی و دیگر علم شامل و قسیم های علم مشمول که هر دو اینها بعنوان شرایط بیرونی موضوع تحقیق مطرح هستند متهمی یکی بیرون نظری و دیگری بیرون عینی و به بیان دیگر پایه اش در بیرون نظری (علم شامل) و ثمره اش در بیرون عینی (نیازهای اجتماعی) است. البته باید توجه داشت که با مشخص شدن بیرون نظری و بیرون عینی موضوع مورد تحقیق قابلیت نقد و نقض پیدا می کند و پس از این مرحله است که طرح و نوآوری در توسعه موضوع برای حل نیازمندی صورت می گیرد.

«والسلام»

تامین منابع، تجزیه مواد، ترکیب موضوعات محورهای متوالی

و سرمایه، ابزار، نیروی انسانی محورهای موازی در تحقیقات کتابخانه‌ای

### مقدمه

بحث پیرامون نحوه تنظیم ضوابط کلیات برنامه بود که در آخرین بررسی مشخص گردید که تنظیم فهرست موضوعاً کاری پژوهشی است و لذا باید قبل از تنظیم برنامه توسط کاربر، این فهرست توسط کارفرما ارائه گردد. بنابراین تنظیم برنامه با هدف تحقق فهرست تنظیمی صورت می‌گیرد. در ادامه بحث ابتدا نکته‌ای در همین زمینه بیان می‌گردد و سپس به متن اصلی بحث (تنظیم ضوابط برنامه) وارد می‌شویم.

### ۱- ضرورت سه الگوی «توصیف، تخصص، تخصیص» در تحقیق

برای تحقیق نسبت به هر موضوعی و در هر سطحی (پژوهشی، کتابخانه‌ای و...) باید سه مرحله متوالی صورت بگیرد که هر مرحله هم نیازمند الگویی خاص می‌باشد.

الف) الگوی توصیف: ابتدا باید موضوع به صورت اوصاف شناسائی شود که در چنین صورتی باید ارتباط نظام اوصاف موضوع با فلسفه مشخص گردد.

تنظیم نظام اوصاف موضوع توسط الگوی خاص صورت می‌گیرد که توسط آن الگو، تغییرات موضوع به صورت وصف و موصوفی بیان می‌گردد.

ب) الگوی تخصص: پس از مشخص شدن نظام اوصاف موضوع، براساس آن نظام اوصاف، موضوعات خارجی که به صورت مضاف و مضاف الیه هستند، مرتبط با این نظام اوصاف، مشخص می‌گردند که این کار توسط الگوی تخصص صورت می‌گیرد. یعنی مشخص

ج) تجزیه اصطلاحی (سطح اصلی)

پس از تجزیه منطقی، در آخرین مرحله اصطلاحات یک علم در سطح مبنای مسائل و مصادیق (موضوعات) تجزیه می‌گردند.

بنابراین در تجزیه متن یک علم سه گونه ترجمه، «ادبی، منطقی، اصطلاحی» صورت می‌گیرد که متناسب با ارزش و اهمیت هر یک تخصیص مقدرات (سرمایه، ابزار، نیروی انسانی) صورت می‌گیرد.

۳/۳- ترکیب

پس از تأمین و تجزیه منابع در مرحله آخر محقق متناسب با فهرست اجمالی ارائه شده توسط کارفرما، با ترکیب موضوعات تجزیه شده نظام موضوعات و فهرست تفصیلی جدیدی را ارائه می‌دهد که آن فهرست تفصیلی بیانگر تغییر ارتکازات برای رسیدن به حد مفهومی مطلوب در موضوع پیشنهادی می‌باشد.

در آخر ذکر این نکته لازم است که تخصیص مقدرات به هر یک از این مراحل متفاوت می‌باشد و چه بسا در تأمین منابع سرمایه و ابزار بیشتر از نیروی متخصص ارزش و کاربری داشته باشند ولی در تجزیه و بالخصوص ترکیب حرف اول را نیروی متخصص بزند، هر چند ابزار و سرمایه هم لازم باشد.

« والسلام »



## روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

جله ۲۲

تاریخ جله: ۷۸/۰۶/۱۷

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

معرفی، عوامل بیرونی درونی و ارتباطی تحقیق و چگونگی استفاده از آن،

در تأمین منابع تحقیق کتابخانه‌ای

### مقدمه

در مباحث پیشین مشخص شد که وظیفه تحقیقات کتابخانه‌ای تحقق فهرست پیشنهادی توسط کارفرما می‌باشد و این فهرست متضمن تغییر حد مفهومی موضوع مورد تحقیق می‌باشد و توسط الگوری تخصص تنظیم شده است.

با توجه به این نکته در تنظیم ضوابط برنامه چنین تحقیقاتی ابتدا باید الگوری تخصیص را بدست آورد و سپس براساس آن الگوری تخصیص، مقدرات لازم را به فعالیتهای مورد لزوم تخصیص داد. برای تحقق چنین امری ابتدا محورهای اصلی در تحقیقات کتابخانه‌ای مشخص گردید که آن محورها «تأمین منابع، تجزیه و ترکیب» بود. سپس بحث بر روی نحوه بدست آوردن الگوری تخصیص و بالطبع تخصیص در هر یک از این محورها آغاز گردید و اولین محور مورد بحث تأمین منابع می‌باشد که در این جلسه نحوه تنظیم الگوری تخصیص در این محور مورد بحث است.

۱ - قاعده روشی: لزوم توجه به اوصاف زمان، مکان، کارآئی در تقسیمات

قبل از وارد شدن به متن بحث باید بدین قاعده روش توجه داشت که بنا بر فلسفه و روش تعریف کوچکترین تقسیم در هر موضوع تقسیم به سه می‌باشد که این سه یکی ناظر به زمان و دیگر مکان و آخری کارآیی می‌باشد.

در ابتدای این سلسله جلسات، مشخص گردید که در عمل تحقیق و تنظیم برنامه آن

تقسیم «فعل موضوعاً، موضوعات فعل، اهداف (با آثار)» بهترین متناظر با اوصاف زمانی، مکانی و کارآیی می‌باشد و لذا باید در تمامی مراحل این تقسیم‌بندی ساری و جاری باشد. با توجه به این قاعده روشی «تأمین، تجزیه، ترکیب» اولین تقسیم در مشخص گردیدن مراحل اصلی تحقیق کتابخانه‌ای است که این سه متناظر با فعل موضوعاً، موضوعات فعل و هدف در این نوع از تحقیق می‌باشند.

پس از این تقسیم نوبت به بررسی نحوه تخصیص در اولین مرحله (تأمین) شد که در این قسمت هم با توجه به این قاعده روشی باید فعل موضوعاً، موضوعات فعل و آثار در نحوه تخصیص این مرحله مشخص گردد.

«سرمایه، ابزار، نیروی انسانی» به عنوان اوصاف فعل موضوعاً، «عوامل بیرونی، درونی، ارتباطی» به عنوان اوصاف موضوعات فعل و «عمومی، گروهی، تخصصی» به عنوان اوصاف آثار می‌باشند.

در این جلسه بحث متمرکز بر اوصاف موضوعات فعل می‌باشد.

## ۲- بررسی عوامل بیرونی، درونی و ارتباطی تحقیق

برای بدست آوردن الگوی تخصیص در مرحله اول (تأمین منابع) تحقیقات کتابخانه‌ای، لازم است ابتدا طبقه‌بندی منابع مشخص گردد تا براساس آن و با توجه به نحوه سفارش کار، تخصیص متناسب صورت بگیرد.

البته باید توجه داشته که این طبقه‌بندی ارائه شده در فرض مطلوب می‌باشد یعنی اولاً: تحقیقاتی است که برای متخصصین نوشته می‌شود. ثانیاً: برای تدریس در «دائرة المعارف تخصصی» است که تمامی جنبه‌های موضوع را شامل می‌شود که بالطبع انجام چنین تحقیقات گسترده‌ای برعهده بانک توسعه تحقیقات می‌باشد.

بنابراین در سطوح پایین‌تر، متناسب با سفارش، از قسمتهایی از این طبقه‌بندی استفاده می‌شود که نسبت به نحوه استفاده از این طبقه‌بندی در سطوح پایین‌تر احتمالات متعددی مطرح است که پس از بررسی اصل طبقه‌بندی، بیان می‌گردد. «شرایط تاریخی، شرایط اجتماعی، شرایط تحقیقاتی» که متناظر با شرایط زمانی، مکانی، کارآیی می‌باشند. به عنوان عوامل

بیرونی، درونی و ارتباطی تحقیق کتابخانه‌ای جامع می‌باشند که این عوامل محور تعیین منابع هستند.

### ۲/۱ - عوامل بیرونی (شرایط تاریخی) تحقیق

بررسی شرایط «طبیعی، اجتماعی، ارتباطی» موضوع تحقیق - که متناظر با شرایط زمانی، مکانی، کارآیی می‌باشد - در بدست آوردن شرایط تاریخی یا عوامل بیرونی آن موضوع تحقیقی لازم است.

شرایط طبیعی: در دستگاه الهی به جهت اصل بودن اختیار جغرافیای اعتقادی مقدم بر جغرافیای نژادی و جغرافیای نژادی مقدم بر جغرافیای مادی می‌باشد ولی در دستگاه مادی به جهت اصل بودن ماده، جغرافیای مادی مقدم بر جغرافیای نژادی و اعتقادی می‌باشد. البته این سه (جغرافیای اعتقادی، نژادی، مادی) نسبت به شرایط طبیعی به منزلت زمان، مکان و کارآیی می‌باشند.

شرایط اجتماعی: از دیگر عوامل بیرونی تحقیق، شرایط اجتماعی و نحوه تحول آن شرایط در دوره‌های مختلف زمانی می‌باشد. این شرایط اجتماعی با توجه به سه منزلت زمانی، مکانی، کارآیی تقسیم به سه دسته، «ساختارهای سیاسی، ساختارهای فرهنگی، ساختارهای اقتصادی» می‌شوند که می‌بایست در بررسی تحولات این سه دسته دوره‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی در جامعه را بررسی کرد. مثلاً بررسی شود که چگونه سیاستهای اجتماعی (سیاست) در دوره‌های مختلف تغییر می‌کرده و ساختار تولی و ولایت در دوره‌های مختلف چگونه بوده است؟

یا بررسی گردد که در دوره‌های مختلف منطقها و ساختارهای علوم دچار چه تحولاتی گشته‌اند؟ یا در دوره‌های مختلف اقتصادی معین گردد که نرم‌افزارهای و سخت‌افزارها چه تغییراتی داشته‌اند؟

شرایط ارتباطی: از دیگر عوامل بیرونی یک تحقیق، شرایط ارتباطی یک تحقیق می‌باشد.

شرایط ارتباطی یک تحقیق موضوعات آن تحقیق می‌باشد که در شرایط ارتباطی نحوه

تحول در این موضوعات بررسی می‌گردد.

«مبانی، مسائل، موارد» زیربخش‌های موضوعات تحقیق می‌باشند که باید تحول این سه در بررسی شرایط ارتباطی مد نظر قرار گیرد. مثلاً بررسی شود که با روی کار آمدن فلسفه اصالت ماهیت چه مسائل و مواردی مطرح گردید و چه نیازهایی پاسخ داده شد و با روی کار آمدن فلسفه اصالت وجود چه مسائل و مواردی طرح گردید.

### ۲/۲ - عوامل درونی (شرایط اجتماعی) تحقیق

«پژوهش، نگه‌داری، نشر» به عنوان عوامل درونی تحقیق مطرح می‌باشند که این سه نسبت به عوامل درونی، منزلت زمانی، مکانی، و کارآیی (یا ارتباطی) دارند. یعنی تحقیق پایگاه زمانی، مکانی و ارتباطی در جامعه دارد که توسط پژوهش، نگه‌داری و نشر مشخص می‌شوند. پژوهش (پایگاه زمانی): در پایگاه زمانی، تحولات پژوهش معین می‌گردد که در بررسی تحولات پژوهش، مطالعه «مراکز پژوهشی، نظامهای پژوهشی، برنامه‌های پژوهشی» لازم است. نگه‌داری (پایگاه مکانی): در پایگاه مکانی، نحوه نگه‌داری پژوهشها معین می‌گردد که در بررسی نحوه نگه‌داری «مراکز نگه‌داری، وسائل نگه‌داری و اطلاعات نگه‌داری» عوامل تعیین‌کننده می‌باشند.

نشر و پایگاه کارآئی: در پایگاه کارآئی، نحوه استفاده و توزیع پژوهش مورد مطالعه قرار می‌گیرد. توزیع به سه صورت «آموزش، انتشار، بهره‌وری» انجام می‌پذیرد که در شکل تخصصی‌اش آموزش و در شکل عمومی انتشار و در شکل بکارگیری، بهره‌وری می‌باشد.

### ۲/۳ - عوامل ارتباطی (شرایط تحقیقاتی) تحقیق

عوامل ارتباطی یک تحقیق، همان شرایط تحقیقاتی می‌باشند که در بررسی شرایط تحقیقاتی می‌بایست «شخصیتهای علمی، ابزارهای علمی، نظام علوم» بررسی گردد که این سه نسبت به شرایط تحقیقاتی در منزلت زمان، مکان و کارآئی می‌باشند.

شخصیتهای علمی: در بررسی شخصیتهای علمی یک تحقیق می‌بایست سه دسته از شخصیتهای مورد توجه و مطالعه قرار گیرند؛ شخصیتهای «تاریخی، بین‌المللی و ملی» ابزارهای علمی: ابزارهای علمی به جهت «عقلی، نقلی یا حسی» بودنشان به سه دسته

تقسیم می‌شوند که مطالعه هر سه لازم می‌باشد.

نظام علوم: در نظام علوم منزلت مختلف علوم بررسی می‌گردد که بر اساس دیدگاه الهی، علوم «اعتقادی، نظری، حسی» با داشتن منزلتهای اصلی، فرعی، تبعی بیانگر نظام علوم الهی می‌باشند.

۳- طرح چند احتمال در کیفیت استفاده از این تقسیمات در انتخاب منابع متناسب با کاربری تحقیق

آنچنان که در ابتدا هم مطرح گردید این عوامل درونی، بیرونی و ارتباطی تحقیق، تعیین‌کننده موضوعات در تأمین منابع می‌باشند و در بالاترین سطح تحقیق یعنی تحقیق تخصصی جامع (دائرة المعارف) در یک موضوع باید تمامی این عوامل بررسی گردد. حال صحبت بر سر این است که در سطوح پایین‌تر تحقیق مثلاً در تحقیق گروهی چه مقدار از این عوامل باید بررسی گردد که در این زمینه احتمالات زیر مطرح می‌باشند:

احتمال اول: استفاده از اوصاف مکانی (شرایط اجتماعی، نگه‌داری، ابزارهای علمی) در هر یک از عوامل درونی، بیرونی، ارتباطی که مشکل این احتمال این است که بر اساس این احتمال تنها تاریخ تحولات موضوع مورد تحقیق بررسی می‌گردد و به دیگر جنبه‌های موضوع پرداخته نمی‌شود.

احتمال دوم: استفاده از اوصاف کارآئی (شرایط ارتباطی، نشر، نظام علوم) در هر یک از عوامل درونی، بیرونی، ارتباطی که مشکل این احتمال این است که بر اساس این احتمال لازم است تمامی منابع مرتبط با موضوع تحقیق بررسی گردد و حال اینکه غرض از طرح این احتمالات این بود که گستره کار کمتر شود و نه در اینکه در نتیجه با بررسی عوامل ۲۷ گانه هیچ فرقی نداشته باشد.

احتمال سوم: استفاده از سطح فرعی اوصاف کارآئی در هر یک از عوامل درونی، بیرونی، ارتباطی مثلاً مبانی، موارد، مسائل و (اوصاف کارآئی در عوامل بیرونی) در اقتصاد یک سطح اصلی یک سطح فرعی دارد که در سطوح فرعی شاید این مباحث بیشتر یا کمتر شوند مثلاً در بخش اقتصاد زمین مباحثی مختص وجود داشته باشد.

احتمال چهارم: استفاده از ۲۷ عامل درونی، بیرونی و ارتباطی با اختلاف سهم تأثیر، در سه سطح تحقیق تخصصی، گروهی و عمومی.

در آخر ذکر چند سه نکته لازم است.

اولاً: در بررسی موضوع تحقیق باید علوم متناسب با آن موضوع بررسی گردد که در بررسی آن علوم باید مبانی، مسائل و موارد آنها فی الجمله بررسی گردد.

ثانیاً: این اوصاف مطرح شده، اوصاف الگوری تأمین منابع هستند و این الگو با الگوری تنظیم فهرست متفاوت می باشد، هرچند بعضی از این عناوین پیشنهادی در الگوری تأمین منابع، در تنظیم الگوری فهرست کاربری داشته باشند. بنابراین این احتمال که می توان تعیین منابع را براساس فهرست انجام داد درست نمی باشد هرچند اوصاف مشترک دو الگو داشته باشند.

ثالثاً: فهرست و مقدمات تعیین کننده میزان تبع لازم برای محقق می باشند.

«والسلام»

## تجزیه، ترکیب، امکان سنجی و نظارت در تحقیق کتابخانه‌ای

مقدمه

برای تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای مشخص گردید که مراحل تأمین، تجزیه، ترکیب مراحل اصلی تحقیقات برای تحقق فهرست پیشنهادی می‌باشند و متناسب با این مراحل باید تخصیص مقدمات صورت بگیرد. لذا ضروری است ابتدا اوصاف و طبقه‌بندی هر یک از این مراحل صورت بگیرد که اوصاف مرحله اول (تأمین منابع) مفصلاً بررسی گردید و در ادامه اوصاف مراحل تجزیه و ترکیب بررسی می‌گردد و در آخر اشاره‌ای به مراحل امکان‌سنجی و نظارت در تحقیق کتابخانه‌ای می‌شود.

## ۱- مراحل تجزیه (ادبی، منطقی، اصطلاحی)

در هر متنی - مخصوصاً متن کتب مرجع - سه مانع برای پذیرش مطلب توسط خواننده وجود دارد و آن موانع ۱- استبعاد عملی و عینی که موجب تحقیر حسی می‌شود. ۲- استبعاد نظری که موجب تحقیق ذهنی می‌شود ۳- استبعاد روحی که موجب بی‌ارزش شدن می‌شود. برای برطرف کردن این سه مانع می‌بایست متن کاملاً تجزیه گردد که این تجزیه در سه مرحله صورت می‌گیرد.

الف - تجزیه ادبی: در تجزیه ادبی، متن از پورته ادبی و محیط روانی خود خارج می‌شود و محقق براحتمی می‌تواند متن عربان‌شده را ملاحظه کند و هیچگونه تأثیر روحی از آن نپذیرد. به عبارت دیگر گاه نویسنده کتاب با ترکیب‌بندی خاص جملات یا با استفاده خاصی از قواعد معانی و بیان به بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی مطلب می‌پردازد که در این مرحله باید با

تجزیه ادبی متن در سه فاز صرف، نحو و معانی بیان، از این پوسته ادبی کاملاً جدا گردد و مطالب همانگونه که باید باشند ظهور پیدا کنند.

ب - تجزیه منطقی: در تجزیه منطقی نسبتهای بین مواد قضایا بررسی می‌گردد و به بیان دیگری صغراها و کبراها و نسبتهای حکمیه از یکدیگر تمییز داده می‌شوند که بالطبع ثمره اینکار اولاً جدا شدن و تفکیک موارد، مسائل و مبنای علم می‌باشد و ثانیاً: حد علم نسبت به سایر علوم مخصوصاً نسبت به علم شاملش مشخص می‌گردد.

ج - تجزیه اصطلاحی: در تجزیه اصطلاحی مطالب یک علم طبقه‌بندی می‌شود. به عبارت دیگر در هر علمی منطق استناد وجود دارد که معیار صحت آن علم است. منطق استناد در یک علم، نظام مفاهیم می‌شود که این نظام مفاهیم تجزیه می‌شود. با توجه به این تعریف در تجزیه منطقی اسکلت منطقی نسبتها بدست می‌آید و در تجزیه اصطلاحی، مفاهیم، حدود موضوعی و نظام مواد مشخص می‌گردد. مثلاً در تجزیه اصطلاحی علم اصول، موارد استنادی، استنادی و استنادی از یکدیگر تمییز داده می‌شوند.

## ۲- مراحل ترکیب و تدوین

پس از تأمین و تجزیه منابع، با ترکیب خاص مواد بر اساس فهرست پیشنهادی کارفرما، مفاهیم جدید با کارآمدی برتر به مخاطبان القاء می‌گردد.

البته در القاء مطلب حتماً باید وضعیت اعتقادی، فکری و محیطی مخاطب شناسایی شود تا تدوین متن در دل دوست ایجاد امید و در دل دشمن ایجاد ناامیدی و ترس کند. به عبارت دیگر اینکار موضوع سرپرستی می‌باشد و باید مقنن صورت بگیرد چرا که در صورت غیر مقنن بودن و ذوقی و سلیقه‌ای عمل کردن، اداره فرهنگی جامعه دچار تشتت می‌شود.

## ۳- امکان‌سنجی و زمان بندی

پس از تنظیم برنامه بر اساس سه مرحله «تأمین، تجزیه، ترکیب» نوبت به امکان‌سنجی و زمان بندی می‌رسد. یعنی مشخص می‌گردد که تحقیق به چه میزان نیازمند نیروی انسانی، ابزار و مقدرات می‌باشد که در بخش نیروی انسانی باید مقدار نیاز به نفر ساعت مشخص شود.



#### ۴. نظارت

پس از تنظیم برنامه، امکان‌سنجی و زمان بندی آن و تصویب شدن آن از طرف کارفرما، باید در تمامی مراحل کار نظارت بر نحوه عملکرد کارپذیر صورت بگیرد. البته نظارت خود نیازمند الگوی جامعی است که باید تمامی مراحل کار کارپذیر را پوشاند. ضمناً باید توجه داشت که بحث پیرامون شیوه نظارت - که همانا مدیریت تحقیقات می باشد - از موضوع بحث این سلسله جلسات خروج موضوعی دارد و باید سر جای خودش پیرامون آن صحبت کرد. در آخر باید دقت داشت که اولاً: علاوه برای الگوی مدیریت تحقیقات نیازمند الگوی سازماندهی تحقیقات هم می‌باشیم که این دو هم با یکدیگر متفاوت هستند. ثانیاً: مدیریت خود تحقیقات هم با مدیریت توسعه تحقیقات تفاوت دارد. مدیریت توسعه تحقیقات مدیریت نسبت‌هایی است که در برنامه برای توسعه رعایت می‌شود که خود مبتنی بر الگوی صورت می‌گیرد.

بنابراین سه الگو در تحقق یک تحقیق نیاز است.

۱- الگوی توسعه مدیریت تحقیقات ۲- الگوی مدیریت تحقیقات ۳- الگوی سازماندهی

« والسلام »

خلاصه بحث

## روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

جلسه ۲۴ و ۲۵

تاریخ جلسه: ۲۰ و ۲۴/۰۶/۷۸

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

### ضرورت و ثمرات تجزیه ادبی

#### مقدمه

بحث پیرامون مراحل سه گانه (تأمین، تجزیه، ترکیب) تحقق فهرست در تحقیقات کتابخانه‌ای بود. در مرحله دوم (تجزیه) بیان گردید که سه نوع تجزیه ادبی، منطقی و اصطلاحی باید نسبت به منابع صورت بگیرد. در ادامه با بررسی ضرورت تجزیه ادبی، ثمرات این تجزیه در سیر کار مشخص می‌گردد.

#### ۱- ضرورت تجزیه ادبی

هر علمی زبان خاصی دارد که این زبان هم می‌تواند در دوره‌های مختلف تفاوت پیدا کند. لذا برای تحقیقات در یک علم ابتدا باید با زبان خاص آن آشنائی کامل پیدا شود مخصوصاً اگر آن علم، از علوم تخصصی باشد. پس از آشنائی با زبان آن علم، برای فهم کامل مقصود مولف، باید لباس ادبی متن بیرون آورده شود و اینکار با تجزیه ادبی صورت می‌گیرد. لذا یکی از کارهای ضروری در تحقیقات کتابخانه‌ای در قدم اول تجزیه ادبی منابع است. به عبارت دیگر از آنجا که یک کتاب مرجع با تمام وجوه درونیش ادبیات، نظم منطقی و... مورد قبول صاحبان یک علم قرار گرفته است، باید در بررسی آن کتاب مرجع تمامی وجوه آن مد نظر قرار گیرد و در صورتی که چنین ملاحظه‌ای تام صورت نگیریم همواره ناآند این منابع مورد اتهام عدم فهم قرار می‌گیرد.

#### ۲- ابعاد تجزیه ادبی

در تجزیه ادبی، متن منبع از لحاظ صرفی، نحوی و معنایی بیان مورد دقت قرار می‌گیرد و

نحوه سلوک مؤلف در تنظیم واژه‌ها و جملات کشف می‌گردد. در میان این سه نقش اصلی در تفهیم مطلب به مخاطب برعهده معانی بیان می‌باشد یعنی مؤلف یا قواعد خاص معانی بیان من جمله تحقیرها، تجلیها، نحوه چینش مقدمات و... زمینه القاء مطلب را به مخاطب فراهم می‌کند. به عبارت دیگر کار اصلی در ادبیات برعهده قواعد معانی بیان است که از راه ترکیبها و بکارگیری مفردات انجام می‌گیرد و حتی در متن استدلال و در مقدمات و نتایج هم زمینه‌سازی ذهنی با کار روانی معانی بیان همراه است.

### ۳- ثمرات تجزیه ادبی

شاید اشکال شود که در مرحله تجزیه، تنها تجزیه منطقی و فرقی تجزیه اصطلاحی کفایت کند و دیگر نیازی به تجزیه ادبی نباشد چرا که همه مسلط به زبان عربی هستند و مطلب را می‌فهمند ولی با توجه به بحثی که در ضرورت شد این اشکال مرتفع می‌گردد و علاوه بر آن ثمرات دیگری هم تجزیه ادبی متن دارا می‌باشد.

الف) برای اطمینان از تجزیه منطقی، باید ابتدا تجزیه ادبی صورت بگیرد و بدون آن همواره اتهام عدم توجه به نحوه ورود و خروج بحث مؤلف، متوجه محقق می‌باشد.

ب) با تجزیه منطقی علت اجمال یا ابهام لفظ بدست نمی‌آید و تنها با تجزیه ادبی است که علت اجمال و ابهام مشخص می‌گردد و مقدمات اصلی از فرعی و تبعی تمییز داده می‌شوند و با رفع ابهام و اجمال، متن سلیس در اختیار محقق قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر حرکت از پائین (تجزیه ادبی) به طرف بالا (تجزیه منطقی) برای فهم مطلب صورت می‌پذیرد.

ج) با تجزیه ادبی فهم مقاصد مؤلف و در قدم بعد نسبت بین مطالب برای رسیدن به آن مقاصد با تجزیه منطقی صورت می‌پذیرد، یعنی در تجزیه منطقی نحوه استدلالهای صفری و کبری چیدن برای دستیابی به مقاصد مشخص می‌گردد.

### ۴- نکاتی پیرامون مراحل بعدی تجزیه و ترکیب

الف) مراحل بعدی تجزیه، تجزیه منطقی و اصطلاحی می‌باشد که در تجزیه منطقی نحوه استدلالها و کبریات و صفریات تا کوچکترین آنها و در تجزیه اصطلاحی، اصطلاحات خاص علم و تقسیمات درونی آن مشخص می‌گردد.

بنابراین هر مطلب از سه زاویه ادبی، منطقی و اصطلاحی باید تجزیه شود.  
 ب) در اینکه این سه مرحله تجزیه هم زمان صورت بگیرد یا متوالیاً دو احتمال مطرح است که به هر دو صورت هم می‌شود عمل کرد و در صورتی که یک فرد بخواهد این سه را همزمان انجام دهد باید به هر کدام جداگانه بپردازد.

ج) پس از تجزیه، ترکیب مطالب صورت می‌گیرد که در ترکیب نظام کبریات شکل می‌گیرد. در تقدم و تأخر تجزیه و ترکیب نسبت به یکدیگر دو احتمال مطرح است. احتمال اول اینکه ترکیب مقدم باشد و با مجموعه‌سازی از بالا کار شروع شود یعنی ابتدا نظام اهداف مشخص گردد و سپس نظام مسائل و موضوعات و در مراحل آخری تجزیه‌های مجموعه‌های کوچکتر صورت بگیرد. احتمال دوم هم اینست که ابتدا تجزیه ادبی، منطقی و اصطلاحی متن صورت بگیرد و در قدم بعد نظام کبریات و مبناء بدست آید که نتیجه این سیر اثبات نارسایی علم مورد نظر در حل نیازمندیها می‌باشد.

«والسلام»

## روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

جلسه ۲۶

تاریخ جلسه: ۷۸/۰۶/۲۷

حجة الاسلام والمسلمین حسینی  
تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

نقش علم صرف، نحو، معانی بیان در ادبیات

و بیان تقسیمات وصفی معانی بیان

مقدمه

بحث پیرامون دومین مرحله از مراحل تحقق فهرست (تأمین، تجزیه، ترکیب) بود که در مباحث گذشته ضرورت و آثار تجزیه در سه سطح ادبی، منطقی و اصطلاحی در سیر تحقیقات بیان گردید و در ادامه به منظور بهینه مراحل تجزیه، تعریف این سه سطح از تجزیه بر مبنای فاعلیت ارایه می‌شوند و سپس براساس این تعریف تقسیمات وصفی هر قسم به تدریج بیان می‌گردد.

## ۱- «ادبیات، منطق، اصطلاحات» بر مبنای فاعلیت

در مباحث گذشته ضرورت تجزیه ادبی، منطقی و اصطلاحی منابع در موضوع تحقیق بررسی گردید اما باید توجه داشت که این عمل تجزیه اگر با قواعد موجود صورت بگیرد هیچ امکان جدیدی را به محقق برای تغییر آن علم نمی‌دهد و لذا باید عمل تجزیه براساس قواعدی صورت بگیرد که با پشت سر گذاشتن ترکیب، امکان تغییر علم و حد موضوعی مفاهیم بوجود بیاید. بنابراین در موازی اینکه ما روابط اجتماعی، زبان و ادبیات یک علم را شناسائی می‌کنیم (سیر از پائین به بالا) از طرف دیگر با تنظیم جدول اوصاف و ارائه شاخصه‌های همین براساس آن جدول اوصاف (سیر از بالا به پائین) امکان بهینه شدن ادبیات و زبان علم را فراهم می‌کنیم. بنابراین براساس مبنای فاعلیت، «بعث، جهت‌گیری بعث و کارآمدی بعث» به ترتیب وظیفه ادبیات، منطق و اصطلاحات یک علم می‌باشند. یعنی ادبیات و زبان یک علم ظرفیت حرکت و

نفرت یا محبت جدیدی را ایجاد می‌کند، در مرتبه بعد منطق نسبت و تناسب آن منزلت از نفرت یا محبت را پدید می‌آورد و در آخر با ایجاد اصطلاحات خاص برای موضوع مورد تحقیق، کارآمدی آن در جامعه توسعه پیدا می‌کند.

براساس این تعریف، زبان وسیله ارتباط به منطق و منطق وسیله ارتباط به کارایی علم می‌باشد و لذا از نظر متبوع و محقق ادبیات نقش اصلی و منطق نقش فرعی و اصطلاحات نقش تبعی در ایجاد کارآمدی جدید برای یک علم را دارند هرچند در نظر مولف آن اثر تجزیه شده، اصطلاحات نقش اصلی، منطق نقش فرعی و ادبیات نقش تبعی داشته باشند.

## ۲- روش تجزیه بر مبنای فاعلیت

بر مبنای فاعلیت تجزیه و ترکیب، به صورت نظام‌سازی صورت می‌گیرد که در سایه این نظام‌سازی خلاءها و نارسائیهای منابع موجود معین می‌گردد. در نظام‌سازی جدید از ادبیات، منطق و اصطلاحات یک علم ابتدا باید اوصاف روشی متناسب با هریک از مراحل کار تجزیه بدست آید و سپس براساس آن اوصاف تجزیه صورت بگیرد. مثلاً در تجزیه اصطلاحی شاید بتوان از اوصاف «تألیف، تصنیف، تأسیس»، «مواد، مسأله، مبنا»، «نقد، نقض، طرح» و یا در تجزیه منطقی از اوصاف «ثبوت، اثبات، آثار»، «نسبیت، استناد، تناسب»، «مبادی، مبانی، مقاصد» استفاده کرد.

## ۳- بررسی اوصاف وصفی در معانی بیان

آنچنانکه بیان گردید وظیفه ادبیات بحث می‌باشد و این بحث وسیله سرپرستی و ولایت است و به هر میزان که این بحث قوی باشد ولایت و بالطبع تولی و تصرف هم قوی‌تر می‌شود. ادبیات شامل سه بخش واژه‌ها، صرف و نحو، معانی بیان می‌باشد. از این سه معانی بیان نقش اصلی، صرف و نحو، نقش فرعی و واژه‌ها، نقش تبعی در ایجاد بحث دارند که در اینجا باید اوصاف وصفی این سه بخش مشخص گردد.

بنابراین معانی بیان مهمترین بخش در ادبیات می‌باشد که سرپرستی برای انتقال مفهوم به مخاطب به وسیله بحث در معانی بیان صورت می‌گیرد و اوصاف این معانی بیان باید در سه بخش فعل موضوعاً، موضوعات فعل و آثار مشخص گردد.

فعل موضوعاً: با توجه به مطلب بالا مشخص شد که فعل موضوعاً در معانی بیان بحث موضوعاً می‌باشد که این بحث ولایت و تصرفی نسبت به متصرف فیه است.

موضوعات فعل: موضوعات فعل در معانی بیان همان موضوعات بحث می‌باشند که عبارتند از تحقیر، تجلیل، تحذیر، یعنی موضوعاتی که نظام حساسیت انسان به واسطه آنها تغییر می‌کند. البته اگر بخواهیم موضوعات را به صورت وصفی بیان کنیم باید اینگونه بگوئیم که موضوع معانی بیان نظام حساسیتهای روحی است و بزرگترین دسته‌بندی اخلاق، دسته‌بندی موضوع معانی بیان می‌شود. اما اینکه بزرگترین دسته‌بندی اخلاق چیست سه احتمال زیر مطرح است:

الف) نیازهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی بزرگترین دسته‌بندی در ایجاد حساسیتهای روحی می‌باشند.

ب) بزرگترین دسته‌بندیهای حساسیت بازگشت به اوصاف ولایت می‌کند یعنی اوصاف ولایت در میان تقسیمات موضوع اصلی می‌باشد.

ج) موضوع نظام حساسیتهای روحی، ولایت است که تقسیمات این ولایت «ولایت سیاسی، ولایت فرهنگی و ولایت اقتصادی» می‌باشد. به عبارت دیگر ولایت اصل است و میل به تصرفی که منشأ کمال شود علت بحث می‌شود.

آثار: با توجه به موضوعات بحث، آثار تصرف در موضوعات، تکامل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌شوند.

«والسلام»

خلاصه بحث

## روش تنظیم برنامه تحقیقات کتابخانه‌ای

جلسه ۲۷

تاریخ جلسه: ۷۸/۰۶/۳۱

حجة الاسلام والمسلمین حسینی

تنظیم از: حجة الاسلام جمالی

وظیفه علم معانی بیان، نحو، صرف در ادبیات

و ارتباط این سه علم با یکدیگر

### مقدمه

بحث پیرامون دومین مرحله از مراحل تحقق فهرست (تأمین، تجزیه، ترکیب) بود که در مباحث گذشته ضرورت تجزیه در سه سطح ادبی، منطقی، اصطلاحی بیان می‌گردید و در تجزیه ادبی هم مشخص شد که این تجزیه باید در سه بخش معانی بیان، نحو، صرف صورت بگیرد و قبل از آن باید وظیفه این سه براساس مبنای فاعلیت مشخص شود که در جلسه گذشته تقسیمات وصفی معانی بیان تا حدودی بیان گردید و در ادامه با مروری دوباره وظائف این سه بخش (معانی بیان، نحو، صرف) و ارتباط آنها براساس مبنای فاعلیت مشخص می‌گردد.

### ۱- منزلت معانی بیان، نحو و صرف در ادبیات

قبل از بیان وظیفه هر یک از علوم سه گانه باید منزلت این سه در ادبیات مشخص گردد. محور اصلی در ادبیات معانی بیان می‌باشد زیرا حرکت انگیزه با معانی بیان است و کار روحی بر روی مطالب بواسطه آن صورت می‌گیرد. این کار روحی با یک اسکلت بندی خاص - که جملات باشند - صورت می‌گیرد و این جمله سازی توسط علم نحو و صرف صورت می‌گیرد و لذا صرف و نحو منزلت فرعی در ادبیات دارند. پس از مشخص چارچوب جملات، واژه‌ها متناسب برای ساخت جملات مشخص می‌گردد و لذا واژه‌ها منزلت تبعی در ادبیات دارند. با توجه به منزلت این سه مشخص می‌گردد که در ادبیات معانی بیان فعل موضوعاً و صرف و نحو



موضوعات فعل و انتخاب واژه‌ها به عنوان آثار، مطرح می‌باشند، یعنی وقتی ادیب می‌خواهد متنی را بنویسد، نوشتنش در آخرین مرحله باگزینش واژه‌ها صورت می‌گیرد.

## ۲- وظیفه معانی بیان

وظیفه معانی بیان سوق دادن میل و رغبت به سمت کمال می‌باشد که در این سوق دادن هم می‌تواند به وسیله امید دادن و هم ایجاد تردید و هم با ترس صورت بگیرد. البته اگر ایجاد بعث با ایجاد امید صورت بگیرد بهتر از ایجاد تردید و یا ایجاد ترس می‌باشد و لذا این سه (امید، تردید، ترس) به ترتیب ابزارهای اصلی، فرعی، تبعی در ایجاد بعث می‌باشند. با توجه به این مطلب می‌توان بیان داشت که در معانی بیان تحقیرها، ایجاد تحذیر و ترس و تردیدها، علت ماندن و حرکت نکردن و تشویق‌ها و تجلیلها، علت حرکت به سمت کمال می‌شوند. با چنین نگرشی بپراحتی می‌توان علم معانی بیان موجود را بازسازی و کمبودهای آن را رفع کرد.

## ۳- وظیفه علم نحو

علم نحو ابزار معانی بیان در ایجاد امید، ترس و تردید می‌باشد. به عبارت دیگر علم نحو با شکل‌دهی جملات به صورت انشائی یا خبری در خدمات اهداف معانی بیان (تشویق، تحذیر، تردید) می‌باشد.

با توجه به این مطلب می‌توان تقسیمات جملات را اینگونه بیان داشت که جملات یا توصیفی یا دستوری و یا ارزشی می‌باشند، یعنی جملات اخباری گاه خبر از توصیف و گاه خبر از ارزش خاص می‌دهند و جملات انشائی ایجاد تکلیف می‌کنند.

## ۴- وظیفه علم صرف

مرحله آخر انتخاب واژه‌ها و مفردات می‌باشد که توسط علم صرف صورت می‌گیرد. واژه‌ها معانی عامی دارند که در قالبهای نحو و با اهداف معانی بیانی، معانی خاص در جاهای متفاوت پیدا می‌کنند و لذا واژه‌ها تبعی هستند و در جایگاههای مختلف معانی مختلفی از آنها اراده می‌گردد و از اجمال بیرون می‌آیند.

با توجه به این مطلب در تقسیم واژه‌ها می‌توانیم به دو گروه عمل کنیم. یکی اینکه همان

تقسیمات معمول در کتب صرفی را (اسم، فعل، هدف) بیان کنیم و دیگر اینکه با توجه به تقسیمات جمل در نحو، واژه‌ها به کلمات توصیفی، تکلیفی، ارزشی تقسیم شوند.

در آخر ذکر این نکته لازم است که ادبیات گاهی در بودن ملاحظه می‌گردد و گاهی در شدن و در صورت دوم است که می‌بایست ادبیات متناسب با تغییرات موضوع، تغییر و تکامل پیدا کند. مثلاً انقلابی رخ می‌دهد و ادبیات، مجموعه روابط متناسب با شدن انقلاب می‌گردد.

«والسلام»